



محافظت در برابر خشونت در آلمان



راهنمای ویژه پناهندگان و مهاجران تازه وارد مذکر

پشتیبانی مالی از طرف:



Die Beauftragte der Bundesregierung
für Migration, Flüchtlinge und
Integration

**Ethno-
Medizinisches
Zentrum e.v.**



Impressum

Gewaltschutz in Deutschland – Ratgeber für geflüchtete und neuzugewanderte Männer

Herausgeber:

Ethno-Medizinisches Zentrum e.V.

Königstraße 6, 30175 Hannover

Konzeption, Inhalt, Erstellung:

Duale Hochschule Baden-Württemberg Villingen-Schwenningen (DHBW)

– Institut für Transkulturelle Gesundheitsforschung

Ethno-Medizinisches Zentrum e.V. (EMZ e.V.)

– MiMi Integrationslabor Berlin (MiMi Lab)

Förderung: Beauftragte der Bundesregierung für Migration, Flüchtlinge und Integration

Projektleitung: Ramazan Salman (EMZ e.V.), Prof. Dr. Dr. Jan İlhan Kizilhan (DHBW)

Redaktion: Prof. Dr. Dr. Jan İlhan Kizilhan, Claudia Klett, Ahmet Kimil, Laura Przybyla,

Anne Rosenberg, Ramazan Salman, Andreas Sauter, Silvio Schelle

Layout und Satz: eindruck.net

Übersetzung: Dolmetscherdienst – Ethno-Medizinisches Zentrum e.V.

Bildquellen: Umschlagbild [iStock.com/BijoyVerghese](https://www.iStock.com/BijoyVerghese)

Seite 2: [iStock.com/IG_Royal](https://www.iStock.com/IG_Royal) · Seite 8: [iStock.com/KatarzynaBialasiewicz](https://www.iStock.com/KatarzynaBialasiewicz)

Seite 15: [iStock.com/lathuric](https://www.iStock.com/lathuric) · Seite 18: [iStock.com/tomozina](https://www.iStock.com/tomozina)

Seite 27: [iStock.com/nanmulti](https://www.iStock.com/nanmulti) · Seite 30: [iStock.com/BrianAJackson](https://www.iStock.com/BrianAJackson)

Alle Rechte vorbehalten. Das Werk ist urheberrechtlich geschützt. Jede Verwendung in anderen als den gesetzlich zugelassenen Fällen bedarf deshalb der vorherigen schriftlichen Genehmigung durch den Herausgeber.

Diese Publikation können Sie jederzeit über die Webseiten „www.mimi-gegen-gewalt.de“ oder „www.mimi-bestellportal.de“ in folgenden Sprachen anfordern: Deutsch, Albanisch, Arabisch, Bulgarisch, Dari, Englisch, Farsi, Französisch, Kurdisch (Kurmanji), Paschto, Russisch, Serbisch/Kroatisch/Bosnisch, Türkisch

مخاطبان عزیز،



این حق هر انسان است، که به صورت خود مختار و به دور از هرگونه ترس و خشونت، زندگی کند. پروژه سراسری "پیشگیری از خشونت - میمی، با مهاجران برای مهاجران"، که این دفترچه راهنما را منتشر کرده است، با فعالیت های خود به تقویت جامعه در این راستا می پردازد.

این پروژه، به آموزش و تقویت مردانی که خود تجربه مهاجرت را داشته اند می پردازد، تا آنها بتوانند به عنوان میانجیگر، در مورد قوانین و مقررات مربوط به زندگی جمعی اطلاع رسانی کرده و بدین سان فعالانه در راستای پیشگیری از بروز خشونت گام بردارند. فعالیت میانجی گران از این رو حائز اهمیت است، که هر فردی که به آلمان گریخته و یا مهاجرت کرده است، با چالش های متعددی روبرو می باشد: سازمان دهی زندگی در یک کشور جدید و فهمیدن مقررات و عادت های موجود در کشور پذیرا، کار آسانی نیست. در نگاه اول، بسیاری از موارد غیر عادی و برخی دیگر نامفهوم به نظر می آیند. میانجی گران دقیقاً در همین جا ورود می کنند و به شفاف سازی در مورد حقوق و معرفی خدمات امداد و پشتیبانی می پردازند. میانجی گران به واسطه تجربیات خود می دانند، که وارد شدن به یک محیط جدید، یا به عبارتی یک محیط ناشناخته، تا چه حد می تواند چالش برانگیز باشد. به ویژه، زمانی که تجربه ضربات روحی به این مورد اضافه شود. آنها با فعالیت های شان، خدمتی بی همتا در راستای ورود مناسب به آلمان و زندگی مطلوب در این کشور ارائه می کنند.

راهنمایی که مشاهده می کنید، به طرح سوالاتی در زمینه جلوگیری از خشونت می پردازد. در صفحات بعد، مبنای حقوقی و قوانین موجود در حوزه محافظت در برابر خشونت معرفی شده و راه های خروج از خشونت نشان داده خواهند شد. مخاطبان این راهنما، پناهندگان و مهاجران تازه وارد مکرر، و نیز همه کسانی هستند، که در راستای پیشگیری از خشونت مشارکت کرده و با اقدام خود، در جهت زندگی جمعی عاری از خشونت در کشورمان فعالیت می کنند.

با تقدیم احترامات صمیمانه

Annette Widmann-Mauz

Annette Widmann-Mauz وزیر کشور مستقر در کنار صدراعظم و کارگزار دولت سراسری در امور مهاجرت،
پناهندگان و ادغام در جامعه



فهرست مطالب

4..... مقدمه

6..... ۱. خشونت چیست؟

انواع خشونت بین انسانی کدام اند؟ | خشونت بین انسانی کجا اعمال می شود؟
خشونت چه پیامدهایی برای قربانیان به همراه دارد؟ | پیامدها برای کودکان

14..... ۲. یک اقدام چه زمان خشونت تلقی می شود؟

ارزش ها و آیین ها به عنوان توجیهی برای خشونت | تحول در دیدگاه نسبت به خشونت
ارزش ها و سنت ها چه جایگاهی در مهاجرت دارند؟ | قوانین و مبانی حقوقی در آلمان
دولت به عنوان قطب انحصاری اعمال خشونت در آلمان

24..... ۳. دلیل وجود خشونت چیست؟

چهارچوب های اجتماعی - خشونت و قدرت | چه تصویری خشونت را توجیه می کنند؟
خشونت فرهنگی و مذهبی | فرهنگ خشونت | دلایل رفتار خشونت آمیز از نظر روانشناسی
پیامد ها برای فرد عامل خشونت - آیا افرادی که اعمال خشونت می کنند بیمار می شوند؟

32..... ۴. راه های خروج از خشونت

چه کارهایی را می توانم در برابر خشونت انجام دهم؟ | از کجا کمک بگیرم؟ | امکانات مشاوره
روان درمانی | کلاس های آموزشی برای تربیت بدون خشونت

36..... واژه نامه

40..... نشانی های برگزیده

این راهنما برای چه کسانی در نظر گرفته شده است؟

خشونت در تمامی کشورهای جهان اعمال می شود. اگرچه به شکل ها و تحت شرایط متفاوت و نیز با دامنه و وسعت های گوناگون. همچنین امکانات و راه های موجود برای محافظت در برابر خشونت در سرزمین های مختلف متفاوت می باشند. هدف از این راهنما کمک به تسهیل در پیدا کردن راه حل در حین مواجهه با مسائل مربوط به خشونت در آلمان می باشد. این راهنما در مورد راه های محافظت و پشتیبانی و نیز امکانات موجود برای تشخیص و کاهش خشونت در مورد خود و دیگران اطلاع رسانی می کند. مخاطب این راهنما همه کسانی هستند که علاقه به پیگیری این موضوع داشته و یا افرادی را می شناسند، که به عنوان قربانی یا عامل خشونت، تحت تاثیر خشونت قرار دارند و نیز همه افرادی که در راستای ایجاد روابط محترمانه قدم بر میدارند. رفتار محترمانه در بین زوج ها و در خانواده به عنوان موضوعی بسیار مهم و به شکلی خاص بررسی خواهد شد.

در این راستا مخاطبین خاص این دفترچه راهنما پناهندگان و مهاجران تازه وارد مذکر می باشند.

مردان و زنان به شکل ها و با دامنه های متفاوت از یکدیگر قربانی خشونت شده و یا آنرا اعمال می کنند. همچنین گونه برخورد آنان با تجربه رفتار خشونت آمیز و پیامدهای آن متفاوت می باشند و به همین دلیل برخورداری از اطلاعات برای مردان و زنان مهم است. راهنمای دیگری به پناهندگان و مهاجران تازه وارد مونث اختصاص یافته است.

همچنین در این راهنما به شرایط خاص آن دسته از پناهندگان و مهاجران تازه واردی که در کشورها یا جوامعی رشد کرده اند، که در آنها شکل و دامنه خشونت و همچنین درک افراد از خشونت در روابط زناشویی و خانوادگی با شرایط موجود در آلمان بسیار متفاوت است، توجه شده است.

این راهنما دربرگیرنده چه مطالبی است؟

قبل از اینکه در مورد محافظت در برابر خشونت صحبت کنیم، لازم است روشن کنیم که معنی دقیق خشونت چیست این، محتوای فصل اول این راهنما می باشد. خشونت می تواند شکل ها و دامنه های متفاوتی داشته باشد. دسته بندی می تواند به درک اینکه چه چیزهایی خشونت محسوب می شوند، کمک کند. همچنین، خشونت پیامدهای مختلفی برای قربانیان به همراه دارد. شناختن پیامدهای ناشی از خشونت برای محافظت در برابر خشونت و پشتیبانی، در صورت تجربه خشونت، لازم می باشد. ناراحتی ها و عوارضی که بر اثر خشونت برای سلامت قربانی ایجاد می شوند، در برخی از موارد به خشونت ربط داده نمی شوند. از طرفی این عوارض نشان دهنده اهمیت جلوگیری از خشونت می باشند.

فصل دوم در مورد این است که اعمال خشونت چه زمانی قابل توجیه است، مثلا وقتی که بتوان به این وسیله از جان یک انسان محافظت کرد. اینکه خشونت چه وقت قانونی و چه زمان غیرقانونی و ناعادلانه است در کشورهای مختلف متفاوت است. این موضوع به ارزشهای آن جامعه و همچنین شکل و قوانین جامعه بستگی دارد. اینکه چه چیز خشونت و چه چیز به عنوان امری عادی تلقی می شود نیز ممکن است برای افراد مختلف متفاوت باشد. دانستن نظر خود و نیز نظر جامعه ای که در آن زندگی می کنیم در مورد خشونت، برای محافظت در برابر خشونت هائز اهمیت است. حقوق و قوانین مربوطه نیز از این جمله می باشند.

برای فهم این نکته، که چرا خشونت بین انسانی وجود دارد، باید ابتدا به قیود و شروط اجتماعی و نیز تقسیم قدرت در جامعه نگاهی بیاندازیم. این موضوع را در فصل سوم بررسی خواهیم کرد. وقتی که به صورت انفرادی به موضوع نگاه کنیم، در خواهیم یافت که فشارهای روحی و بیماریهای روانی می توانند دلیل رفتارهای خشونت آمیز باشند. اقدامات لازمه برای کاهش خشونت بر حسب دلایل و شرایط متفاوت می باشند.

در فصل چهارم، توضیحاتی در مورد اینکه قربانیان خشونت امکان تماس با چه مراجعی را دارند، در اختیار شما قرار خواهند گرفت. همچنین برای کمک به افرادی که اعمال خشونت می کنند و تمایل دارند که این موضوع را خاتمه دهند، از مراجع و مراکز نام خواهیم برد.

۱. خشونت چیست؟

بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، خشونت نه تنها جراحات بدنی بلکه تهدیدهای لفظی یا ایجاد رعب و وحشت را نیز شامل می‌شود. چیزی که در همه اقدامات خشونت آمیز یکسان می‌باشد این است که، پیامد های آنها برای سلامت جسمانی یا روحانی یک یا چندین فرد مخرب بوده و یا ممکن است مخرب باشند و ممکن است حتی به مرگ نیز بیانجامند.

در عین حال، امروزه "محدود کردن خودشکوفایی" عموماً خشونت تلقی می‌شود. این یعنی اینکه فرد در اتخاذ تصمیمات مربوط به ساماندهی زندگی خود، به گونه‌ای که تمایل دارد، محدود شود. این شرایط ممکن است توسط افراد و یا همچنین بواسطه قوانین خاص در مراکز یا موسسات و یا به دلیل تقسیم نامساوی قدرت در جامعه ایجاد شود. پس لازم است برای محافظت بلند مدت در برابر خشونت شرایط اجتماعی نیز لحاظ شوند.

در این راهنما و در ادامه، ابتدا خشونت بین انسانی بررسی خواهد شد، که به معنی اعمال خشونت از طرف یک یا چندین فرد دیگر می‌باشد.

خشونت یک خطر برای سلامتی و گاهی برای جان انسان می‌باشد. از این رو سازمان جهانی بهداشت (WHO) به این موضوع رسیدگی می‌کند. این سازمان در گزارشی به نام "گزارش جهانی خشونت و سلامتی" در سال ۲۰۰۳ خشونت را این گونه تعریف می‌کند:

"استفاده عمدی، چه به صورت تهدید و یا عملی، از زور فیزیکی یا قدرت روحی بر ضد خود یا شخص دیگر، بر ضد یک گروه یا جامعه، که یا به صورت حتمی و یا به احتمال بسیار زیاد به جراحی، مرگ، صدمات روحی، رشد ناقص یا محرومیت می‌انجامد."

در نتیجه خشونت شامل موارد زیر می‌شود:

- رفتارهای آسیب رسان، که از طرف شخصی بر علیه خود او اعمال می‌شوند (مثلاً اقدام به خود آزاری یا خودکشی)
- خشونتی که توسط یک یا چند فرد دیگر اعمال می‌شود (مثلاً بدرفتاری های خانگی، تهاجم و تعرض از طرف افراد غریبه در مدرسه و یا محل کار)
- اعمال خشونت از طرف گروه های بزرگتر مانند کشورها، شبه نظامیان یا گروه های تروریستی، با هدف پیش بردن منافع سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی (به عنوان مثال درگیری های مسلحانه، نسل کشی، زیر پا گذاشتن حقوق بشر یا ترور)

* واژگانی، که به صورت مورب چاپ شده اند را در واژه نامه خواهید یافت

انواع خشونت بین انسانی کدام اند؟

خشونت بین انسانی می تواند شکل های متفاوتی داشته باشد:

• خشونت جسمانی (فیزیکی)

مثلا: کتک زدن، لگد زدن، حمله با اشیاء مختلف، کشیدن موها، کشیده زدن، تنه یا ضربه زدن، فشردن گلو، تکان دادن، آتش زدن و سوزاندن با مواد شیمیائی (اسید)

• خشونت روحی (روانی)

مثلا: توهین کردن، تصحیح کردن مکرر، فحاشی، تحقیر کردن، تمسخر (همچنین در مکانهای عمومی)، باج گیری، تهدید کردن (مثلا تهدید به اقداماتی بر علیه خود شخص یا فرزندانش یا دورکردن فرزندان از شخص)

• خشونت جنسی

مثلا: مجبور کردن به انجام فعالیت های جنسی بر خلاف اراده و خواست شخص، تجاوز کردن، مجبور کردن شخص به روسپیگری یا اودار کردن شخص به گرفتن عکس ها یا فیلم های مستهجن در حین آمیزش جنسی

به خصوص در حیطه حریم شخصی افراد انواع دیگری از خشونت نیز وجود دارند:

• خشونت اجتماعی

مثلا: نظارت دائمی بر افراد، ممنوع کردن برقراری و حفظ روابط اجتماعی، ممنوع کردن شرکت در کلاس زبان، ممنوع کردن خروج از خانه، تحمیل کردن ارزشها و قواعد خاص بر خلاف اراده شخص

• خشونت مالی

مثلا: ایجاد وابستگی مالی، ممنوع کردن فعالیت های اقتصادی یا تحصیلی، نظارت یک جانبه بر منابع مالی موجود

خشونت بین انسانی کجا اعمال می شود؟

خشونت بین انسانی ممکن است در مکان های مختلف و به دلایل متفاوت اتفاق بیافتد:

• در مکان های عمومی

مثلا در اتوبوس، مترو و یا در دیسکو

• در مراکز

مثلا در اقامتگاه های جمعی، در تیم ها، در محل کار یا در مدرسه

• در حریم شخصی

مثلا از طرف اعضای خانواده، بستگان یا دوستان

• هنگامی که خشونت بین بزرگسالانی که با هم

رابطه زناشویی دارند یا قبلا داشته اند اعمال میشود، آنرا "خشونت خانگی" می نامیم.

• قربانی این گونه خشونت ها معمولا بانوان می

باشند. در آلمان از هر ۴ زن یک نفر در طول زندگی خود قربانی خشونت از طرف شریک زندگی یا شریک قبلی زندگی می شود.

امکانات قابل دسترسی برای محافظت در مقابل خشونت در نقاط مختلف متفاوت می باشند.

هنگامی که رابطه یا وابستگی نسبت به شخص

عامل خشونت وجود داشته باشد، مثلا معلم، کارفرما

یا اعضای خانواده، محافظت در برابر خشونت

سخت تر از زمانی است که عامل خشونت فردی

غریبه است.

خشونت چه پیامدهایی برای قربانیان به همراه دارد؟

برای افراد تحت تاثیر پیامدهای خشونت می توانند شکل های گوناگونی داشته باشند. از یک سو خشونت اعمال شده بسیار گوناگون بوده و از سوی دیگر واکنش اشخاص نسبت به خشونت متفاوت می باشد. همچنین این مسئله به این بستگی دارد، که فرد متاثر تا چه اندازه از طرف خانواده و دوستان یا افراد دیگر حمایت می شود.

برای مثال در صورتی که شخص بتواند در مورد خشونت اعمال شده با شخص دیگری مانند همسر یا دوست خود گفتگو کند، این مسئله در روند بهبودی او تاثیر مثبت خواهد داشت.

علاوه بر این پیامدهای خشونت برای قربانیان سخت تر هستند. پیامدهای خشونت در خانواده به صورت ویژه ای جدی و پیچیده هستند، زیرا در مکان های شخصی صورت می گیرند که در حقیقت محلی برای محافظت از افراد می باشند. در این موارد خشونت از طرف صمیمی ترین افراد اعمال می شود که وظیفه آنها در حقیقت پشتیبانی و محافظت از فرد می باشد.

در اکثر موارد از خشونت های خانگی زنان قربانی و مردان عامل خشونت هستند. بچه ها همواره قربانی این نوع خشونت هستند.

خشونت خانگی یک مسئله شخصی نیست، بلکه یک جرم است.



عوارض خشونت معمولا در قسمت های بسیار متفاوتی از زندگی اشخاص متاثر بروز می کنند. برخی از پیامدها قابل مشاهده و برخی دیگر پنهان می باشند. اثرات برخی از پیامدها به سرعت پس از تجربه خشونت و در برخی از موارد پس از گذشت ماه ها یا حتی سال ها بروز می کنند. از این رو تشخیص تجربه خشونت به عنوان دلیل بروز عوارض خاص گاهی بسیار مشکل است.

پیامدها برای سلامتی

شایع ترین صدمات جسمی عبارتند از:

- شکستگی استخوان، آسیب دیدگی اعضاء داخلی بدن، خونریزی داخلی، صدمات مغزی (در اثر ضربات وارده به سر یا سقوط به دلیل هول داده شدن)، وجود زخم هایی که کامل بهبود نیافته اند (مثلا بریدگی ها، سوختگی ها و جای سوختگی شیمیایی)، عفونت ها، کم شدن قوای بینایی و شنوایی
- به علاوه در تجاوز جنسی و یا به عبارتی آمیزش جنسی همراه با اعمال زور: زخم و خونریزی در مقعد، دردهای بادوام در حین آمیزش جنسی، عفونت در مثانه و کلیه ها، بیماری ها و عفونت های مقاربتی، عقیم شدن، اختلال عمل جنسی (در مورد دختران و زنان: سقط زودرس، بارداری ناخواسته و جراحی و خونریزی در واژن)

برخی از جراحات و بیماری های نام برده شده قابل درمان هستند. مراقبت پزشکی در این موارد از اهمیت زیادی برخوردار است.

صدمات بهداشتی خشونت نه تنها جسم قربانی، بلکه روح یا به عبارتی "روان" او را نیز تحت تاثیر قرار می دهند.

رایج ترین پیامدها برای سلامت روحی ("روانی") عبارتند از:

- اختلال در خواب، حالت های ترس (وحشت زدگی یا ترس در حد مرگ در شرایط بی خطر، ترس در هنگام خروج از خانه یا اتاق)، سردرد، حالت تهوع، بی اعتمادی بیش از حد نسبت به افراد غریبه، افسردگی، غمگینی و ناامیدی بسیار زیاد، احساس گناه و شرم، یادآوری یا فلش بک (تجربه دوباره شرایط خشونت در ذهن)، خشم و غضب، اعتیاد به مواد مخدر یا دارو (مثلا داروهای مسکن)، فکر کردن یا اقدام به خودکشی.

به ویژه در خشونت جنسی موارد زیر نیز اضافه می شوند:

- احساس انزجار از بدن خود، نفرت از مسائل جنسی، جنسی شدن شدید رفتار، از دست دادن لذت جنسی تا سرحد ناتوانی جنسی
- به ویژه پیامدهای روحی همیشه به تجربه خشونت نسبت داده نمی شوند، بلکه به عنوان "نارسایی" یا "ضعف" شخصی تلقی می شوند. این موضوع می تواند احساس بی ارزش دانستن خود را در فرد افزایش داده و روند بهبود او را دشوار سازد. همچنین ممکن است که خانواده یا دوستان این رابطه را متوجه نشده و رفتار قربانی را مورد انتقاد قرار داده و یا به او فشار آورند. این مسئله نیز می تواند روند بهبودی فرد را دشوار سازد.

همان گونه که بسیاری از صدمات جسمی به مراقبت و مداوای طبی نیاز دارند، بسیاری از آسیب های روحی نیز به مداوا و پرستاری نیاز دارند. روان شناسان و روان درمانگران برای انجام مداوا به صورت حرفه ای آموزش دیده اند. آنها موظف به پیروی از قانون حفظ اسرار بوده و مجاز نیستند که مطالب بازگو شده را به افراد دیگر انتقال دهند (به فصل ۴، راه های خروج از خشونت مراجعه کنید).

پیامدهای خانوادگی و اجتماعی

انسان به عنوان موجودی اجتماعی محتاج به روابط اجتماعی می باشد. از این دسته می توان به خانواده، دوستان و آشنایان و یا همکاران اشاره کرد. با این وجود خشونت بین انسانی معمولا از طرف افراد موجود در همین محیط اجتماعی اعمال می شود. مجرمین کمتر افراد کاملا غریبه می باشند. به خصوص در همین مواقع است، که خشونت پیامدهای اجتماعی گسترده ای برای قربانیان دارد.

انزوا در خانواده و یا محیط اجتماعی
مثلا هنگامی که خشونت بین همسران به واسطه جدایی یا طلاق به اتمام می رسد، ممکن است که فرد قربانی با عدم پذیرش توسط خانواده (خود) مواجه شود. نزدیکان همیشه قربانیان خشونت را پشتیبانی نمی کنند، به خصوص هنگامی که قربانیان زن باشند. در برخی از موارد از مجرمین حمایت می شود، به خصوص وقتی که آنها مرد باشند.

دلیل این موضوع برداشت های متفاوت از حقوق همسران در یک رابطه می باشد. به همین دلیل قربانیان خشونت، علاوه بر موارد دیگر، تنهایی، احساس گناه و مشکلات حاد مالی را نیز تجربه می کنند. همواره هنگامی که یکی از والدین توسط همسر یا خانواده انکار و رد می شود، فرزندان نیز از این شرایط رنج می برند. به این شکل بخشی از هویت آنها انکار شده است.

به این شکل می توانید کمک کنید

شاید کسانی را در خانواده یا در بین دوستان می شناسید، که رفتارهای عجیبی از خود بروز داده و یا تغییراتی در رفتارشان به وجود آمده است. شاید افرادی را می شناسید، که پرخاشگر هستند یا به سرعت خشمگین می شوند و یا کسانی که به صورت ناگهانی از برقراری تماس خودداری کرده و تمایل به انزوا دارند. ممکن است دلیل این موارد خشونت تجربه شده باشد. چیزی که در این موارد کمک می کند این است که این رفتارها نه به عنوان رفتار عمدی، بلکه به عنوان نشانه ای از وجود یک صدمه روحی در فرد ارزیابی شوند. به عنوان کمک همچنین می توان سعی کرد، تماس با این گونه افراد را با احتیاط کامل و بدون اصرار ادامه داده یا برقرار کرد.

نقش خانواده

فشار اجتماعی به واسطه انتظاراتی که خانواده و محیط اجتماعی از رفتار یک شخص دارند، ایجاد می‌شود. این انتظارات از جمله با جنسیت شخص رابطه دارند. از این رو اغلب در مورد اینکه یک مرد و یک زن (همچنین و همزمان یک دختر و یا پسر) باید چگونه رفتار کنند و همچنین اینکه چه چیز درست و چه چیز اشتباه است، تصورات خاصی وجود دارند. دیدگاه‌های موجود در مورد طرز رفتار مردان، معمولا ریشه در عقایدی چون “قدرت”، “محافظ”، یا “رئیس خانواده” دارند.

این موضوع در برخی از موارد باعث می‌شود که پسران یا مردان توسط خانواده و ادار به اعمال خشونت شوند، تا مثلاً از “آبروی” خانواده محافظت کنند.

در مواقعی که مردان قربانی خشونت می‌شوند، ممکن است که دیگر نتوانند این انتظارات را برآورده کنند، زیرا آنها خود به کمک و پشتیبانی احتیاج دارند. این می‌تواند به بروز مناقشات یا انکار شدن توسط خانواده و یا محیط اجتماعی بیانجامد. همچنین ممکن است که قربانیان خودشان را نیز انکار کنند. همزمان تصورات موجود در مورد یک “مرد قوی” به واسطه تجربه خشونت، با تضاد مواجه می‌شوند. قربانیان، به ویژه در مورد خشونت جنسی، معمولا احساس شرم و گناه زیادی می‌کنند و به همین دلیل نمی‌توانند موضوع را حتی با افراد قابل اعتماد بازگو کنند.

! قربانیان خشونت، چه زن و چه مرد، هرگز گناهکار و یا مسئول خشونتی که بر آنها روا داشته شده نیستند.

تجربه خشونت برای مدت طولانی می‌تواند به دوری گزیدن هرچه بیشتر فرد از محیط اجتماعی بیانجامد. احساس اطمینان در مورد امنیت شخصی از دست می‌رود. بینش فرد در مورد ارزشها تغییر می‌کند. دنیا به عنوان مکانی تهدید آمیز تجربه می‌شود. سر کار رفتن سخت است.

پیامدهای سهمگین خانوادگی و اجتماعی باعث می‌شوند تا شخص قربانی عوارض سخت بهداشتی را به جان خریده و در مورد خشونت تجربه شده سکوت کرده، یا حتی کماکان خشونت را تحمل کند.

حمایت از طرف مراکز مشاوره

مراکز مشاوره در این موارد نیز پشتیبانی حرفه‌ای ارائه می‌کنند. در این مراکز امکان گفتگو در مورد پیامدها و ارزیابی آنها و نیز یافتن راه‌های پشتیبانی از فرد وجود دارد. تصمیم‌گیری در مورد پذیرفتن کمک‌های ارائه شده و یا تمایل به ارائه شکایتنامه به پلیس، همواره برعهده شخص قربانی می‌باشد. نه تنها هیچ‌کس در حین مشاوره به واسطه تجارب یا تصمیمات اش انکار نمی‌شود، بلکه با قربانیان همواره به شکلی محترمانه و با ابراز

پیامدها برای کودکان

پیامدهای ناشی از خشونت برای کودکان در بخش‌های زیادی مشابه بزرگسالان می‌باشند. کودکان هم در گزند صدمات روحی و جسمی خشونت می‌باشند. اگرچه برخورد و واکنش آنها می‌تواند بسیار متفاوت باشد. در حالی که برخی از کودکان بسیار آرام و منزوی می‌شوند، برخی دیگر به سرعت از کوره در رفته و با پرخاش و واکنش نشان می‌دهند. همچنین ممکن است که کودکان برای جلوگیری از فشار مضاعف بر پدر و مادر، هیچ چیز را بروز ندهند.

تنها چیزی که به کودکان کمک می‌کند تا احتمالاً بتوانند در مورد تجربه خشونت صحبت کنند، داشتن یک رابطهٔ محبت آمیز و حمایتی با والدین می‌باشد.

خشونت در میان والدین (“خشونت خانگی”) هم پیامدهای سختی برای کودکان دارد. این مورد حتی در مواردی که خود کودکان مورد ضرب و شتم، فحاشی و یا تجاوز قرار نگرفته‌اند، بلکه درگیری والدین را دیده، شنیده و یا به صورت غیر مستقیم درک کرده‌اند، صدق می‌کند. پیامدهای روحی برای کودکان به اندازه‌ای سخت هستند، که گویی آنها خود قربانی مستقیم خشونت بوده‌اند.

- احساس بی‌ارزشی در مورد خود
- ناامیدی از ضعف یکی از والدین، تقویت احساس بی‌پناهی، که در موقعیت‌های دیگر زندگی نیز بروز می‌کند

تفاهم رفتار می‌شود. تعهد به حفظ اسرار در این مورد هم صدق می‌کند. مشاورین حق انتقال مطالب بازگو شده به دیگران را ندارند.

برای مردانی که اعمال خشونت می‌کنند ولی می‌خواهند نحوه رفتار محترمانه با دیگران و یا برخورد عاری از خشونت در هنگام بروز مناقشات را بیاموزند نیز خدمات پشتیبانی موجود می‌باشند (فصل ۴، راه‌های خروج از خشونت).

• تحلیل رفتن توانایی ها و نمرات کودک در مدرسه

• طرف داری از عامل خشونت، زیرا قدرت او به اشتباه به عنوان منبع امنیت برداشت می شود

• الگو برداری از رفتار پدر و مادر: کم نیستند کودکانی که خشونت خانگی را تجربه کرده و خود نیز در روابط آینده شان مجرم یا قربانی می شوند

• فشار ناشی از پنهان کاری: والدین، گفتگوی فرزندان در مورد خشونت بین والدین با افراد دیگر را ممنوع می کنند، زیرا ممکن است که مجرم در غیر این صورت در دادگاه محاکمه شود. این به منزله فشاری بسیار زیاد برای کودکان می باشد. آنها احساس گناه کرده و نمی توانند هیچ کمکی دریافت کنند

• آسیب های روحی جدی: سعی در فراموش کردن و از بین بردن خاطره موارد تجربه شده می تواند به انزوای اجتماعی و در بدترین حالت به خودکشی بیانجامد

کودکان به عنوان قربانیان خشونت اعمال شده توسط والدین

شدیدترین عوارض هنگامی برای کودکان رخ می دهند که مستقیماً توسط والدین یا بستگان نزدیک مورد خشونت قرار گیرند. از آنجا که دقیقاً همان افرادی که در حقیقت باید از کودکان مراقبت و محافظت کنند آنها را مورد خشونت قرار می دهند، اعتماد کودکان به انسان های دیگر به سختی آسیب می بیند. در نتیجه خانه دیگر مکان امنی برای کودکان نیست و برای آنها به جایی پر از رنج و درد تبدیل می شود که تنها به سختی

می توانند از آنجا رهایی یابند.

این موضوع همچنین باعث ایجاد دوگانگی روحی در کودکان می شود. بسیاری از کودکان به خود اجازه نمی دهند که پدر یا مادری که اعمال خشونت می کند را انکار کنند، بلکه خود را مقصر دانسته و یا از خود متنفر می شوند. همچنین بسیاری از کودکان خشونت را با فرو خوردن آن تحمل می کنند، زیرا دوست ندارند که احیاناً بنیان خانواده از هم بگسلد. یا اینکه والدین آنها را تحت فشار قرار می دهند، تا مسائل را با دیگران بازگو نکنند.

تجربه طولانی مدت خشونت می تواند باعث اختلالات پایدار در رشد شخصیتی کودکان شود. این بدین معناست که شخصیت آنها در دوران بزرگسالی، حتی وقتی که زمان زیادی از تجربه خشونت گذشته باشد، نیز صدماتی را متحمل می شود. بیماری های روانی مانند "اختلالات شخصیتی مرزی" (Borderline) یا "اختلالات شخصیتی هراسان-دوری گزین"

(ängstlich-vermeidende Persönlichkeitsstörung)

از جمله این پیامدها می باشند.

در صورتی که احتمال می رود، که کودک از طرف والدین مورد خشونت قرار می گیرد، بهتر است بسیار با احتیاط عمل شود، مبادا کودک از طرف والدین تحت فشار و یا خشونت مضاعف قرار گیرد. یک جلسه مشاوره در مراکز مشاوره یا از طریق خدمات تلفنی کمک ضد خشونت (به فصل ۴، راه های خروج از خشونت مراجعه کنید) می تواند راهی باشد، تا در مورد بهترین روش های موجود برای حفاظت از کودک گفتگو شود.

۲. یک اقدام چه زمان خشونت تلقی می شود؟

ارزش ها و آیین ها به عنوان توجیهی برای خشونت

در برخی از مناطق و کشورهای دنیا خانواده ها و یا جامعه با رفتارهای خشونت آمیز، علی رغم عواقب آنها برای قربانیان، مدارا می کنند. در این جوامع رفتارهای خشونت آمیز به عنوان امری عادی تلقی شده و مجازات نمی شود. حتی در برخی از مواقع، سنت ها و قوانین دولتی به این رفتارها تشویق کرده و آنها را کاملا قانونی می دانند.

مثال ها:

- در برخی از کشورها مردان از نظر قانونی حق دارند که تصمیمات اقتصادی همسران شان را کنترل کنند. به زنان، تنها تحت شرایط بسیار خاص اجازه کار و کسب درآمد داده می شود (خشونت مالی).
- در بعضی از مناطق سنت هایی وجود دارند که بر اساس آنها اعضای بدن زنان به صورت کامل قطع می شوند، که از جمله این اعضاء می توان به چوپول (فنج) و لب های واژن اشاره نمود. ختنه کردن آلت تناسلی زنان نوعی خشونت است (خشونت جسمی).
- در برخی از کشورها دستگیری های خودسرانه وجود دارند که در جریان آنها افراد بازداشت شده، بعضا توسط پرسنل پلیس یا ارگانهای اطلاعاتی تحقیر یا شکنجه شده و یا مورد تجاوز قرار می گیرند و هیچ امکانی برای ارائه شکایت خود به دادگاه ندارند (خشونت روحی، جسمی و جنسی).

گاهی رفتارهای خشونت آمیز، با وجود پیامدهای سختی که دارند، از طرف خانواده یا جامعه تحمل می شوند، یعنی به عبارتی مورد تنبیه قرار نمی گیرند و یا "عادی" تلقی می شوند. این رفتارها گاهی حتی توسط سنت ها و یا قوانین دولتی ترویج شده یا به عنوان امری قانونی تلقی می شوند. اینکه خشونت چه زمان به عنوان امری موجه یا لازم تلقی می شود، در کشورها یا به عبارتی در جوامع مختلف متفاوت است و به ارزشها و آیین های موجود در آن جوامع بستگی دارد.

علاوه بر این، سطح پایه پذیرش خشونت در یک جامعه مقوله ای متفاوت از ساختار جامعه می باشد. در آلمان، به عنوان "جامعه ای با ساختار مدرن"، خشونت باید تنها به سفارش دولت اعمال شود، آن هم تنها زمانی که امکان دیگری برای جلوگیری از خشونت وجود نداشته باشد

(به فصل بعد "خشونت انحصاری دولتی در آلمان" مراجعه کنید). در این مورد سخن نه از خشونت، بلکه از اختیارات قوه مجریه یا اقدامات پلیسی می باشد، که وظیفه آنها دفاع در برابر تهدیدات و جلوگیری از ارتکاب جرم است. در آلمان، پلیس برای انجام این اقدامات موظف به تبعیت از قوانین وضع شده (قانون پلیس) می باشد.

خشونت در همه موارد دیگر یک جرم محسوب می شود. هدف از این امر کاهش روزافزون خشونت در دراز مدت می باشد.

و سنت های موجود، مثلا به این برداشت که رفتار یک مرد یا زن باید به چه شکلی باشد و یا اینکه کودکان از چه جایگاهی در برابر بزرگسالان برخوردارند، بستگی دارد. مثلا دیدگاهی که در آن افراد بر اساس قومیت یا دینشان ارزشگذاری می شوند، به رواج خشونت می انجامد.

این ارزیابی اجتماعی در گذر زمان تغییر می کند، دقیقا به همان گونه که شکل زندگی، ارزشها و سنت های یک جامعه نیز با گذشت زمان متحول می شوند. ایجاد پیشرفت و تحول در حقوق و قوانین مربوطه در یک جامعه نیز به این موضوع بستگی دارد.

• در برخی از کشورها مردان به واسطه ازدواج از این حق برخوردار می شوند که هرگاه که میل داشته باشند، با زنان شان نزدیکی کنند. در این موارد یک زن هیچ راهی برای اعمال خواسته خود در مورد اینکه آیا در حال حاضر میل به آمیزش جنسی دارد یا خیر، ندارد. اقدام به نزدیکی جنسی برخلاف میل یک زن تجاوز محسوب شده و در آلمان یک جرم تلقی می شود (خشونت جنسی). پر واضح است که این مسئله در مورد زوج هایی که ازدواج نکرده اند نیز صدق می کند.

اینکه خشونت چه زمان پذیرفته و چه زمان یک تخلف می باشد در جوامع و خانواده های مختلف بسیار متفاوت می باشد. این مسئله به ارزشها

از جمله حقوق کودکان، حق برخورداری از تربیت عاری از خشونت می باشد.



تحول در دیدگاه نسبت به خشونت

پنجاه سال پیش در آلمان معلمین حق داشتند که دانش آموزان را در راستای امور تربیتی با ترکه تنبیه کنند. این موضوع از سال ۱۹۷۳ از نظر قانونی ممنوع است. همچنین از سال ۲۰۰۰ بر اساس بند ۱۶۳۱ قانون حقوق شهروندی، حق برخورداری از تربیت عاری از خشونت در محیط خانواده، یکی از حقوق کودکان می باشد. تنبیه بدنی در نسل های قبل، یعنی والدین و به خصوص پدر بزرگ ها و مادر بزرگ های نسل جدید، در خانواده ها امری رایج بود.

ارزشها در مورد نحوه تربیت کودکان به صورت موازی با این موضوع تغییر می یابند. اطاعت و سازگاری در زمان پدر و مادر بزرگ ها بسیار مهم بوده است. خشونت به عنوان جرمه در صورت عدم پیروی از قواعد به عنوان امری موجه تلقی می شد، تا احتمالاً به واسطه آن کودکان اطاعت از مقررات را آموزش ببینند. در آن زمان به صدمات روحی و جسمی ناشی از این خشونت یا توجه کمی می شد و یا اصلاً توجه نمی شد.

امروزه لازم است که کودکان تحت محافظت بزرگ شده و به شکلی مناسب رشد کنند. در این راستا مسئله اصلی، رشد و شکل گیری شخصیت کودک می باشد، نه سازگاری با مقررات وضع شده. این موضوع ایجاد دیدگاهی دموکراتیک را نیز رواج می دهد. امروزه برای هر کودک "حق دریافت حمایت برای رشد و نیز حق برخورداری از گونه ای از تربیت برای دستیابی به شخصیتی مسئولیت پذیر و توانا در زندگی جمعی" در قانون مشخص شده است (کتاب قانون اجتماعی - بخش ۸ (SGB VIII)، پاراگراف ۱، بند ۱).

با وجود قوانین موجود و تحول ایجاد شده در ارزشها، هنوز هم در برخی از موارد والدین از خشونت جسمی و روحی برای تنبیه فرزندان استفاده می کنند. از این دسته می توان به کشیده یا ضربه زدن و یا فحاشی اشاره کرد. اما این مسئله از کجا سرچشمه می گیرد؟ برخی اوقات در تربیت کودکان شرایطی به وجود می آید که به کشمکش انجامیده و یا لازم است که حد و مرزی برای کودکان وضع شود. ممکن است که این گونه شرایط والدین را با اضطراب و ناراحتی مواجه سازد. در صورتی که والدین در زمان کودکی خود و در حین بروز چنین شرایطی تنبیه بدنی شده باشند، ممکن است که ناخواسته آن رفتار را در صورت وقوع شرایط اضطراب آور در قبال فرزندان خود اعمال کنند.

! تحولات و تغییرات اجتماعی که برای کاهش خشونت لازم هستند، معمولاً نوعی روند یادگیری در افراد ایجاد می کنند. در راستای این تحولات، گاهی نیز لازم است که افراد آماده باشند، تا در مورد تفکرات خود بازاندیشی کرده و ارزشهای خود را تغییر دهند.

همچنین ممکن است که هیچ الگوی خاصی برای مواجهه بدون خشونت با اینگونه شرایط را نداشته باشند. شاید هم می خواهند از ارزشهای قدیمی تبعیت کنند، زیرا پیش خود فکر می کنند "این رفتار به من هم صدمه ای نرساند". در رابطه با مقوله تربیت فرزندان، برای کسانی که تمایل به یادگرفتن نحوه تربیت محترمانه و بدون تنبیه خشونت آمیز دارند، کلاسهای آموزشی و خدمات

حمایتی گوناگونی وجود دارند (به فصل ۴، راه های خروج از خشونت مراجعه کنید).

ارزش ها و سنت ها چه جایگاهی در مهاجرت دارند؟

ما به عنوان انسان در کودکی تنها زبان اشخاص موجود در اطراف خود را یاد نمی گیریم، بلکه این را نیز می آموزیم که هر شخص باید چگونه رفتار کند، مثلا مردان و زنان، جوانان یا سالخوردهگان، در حریم شخصی و در مکان های عمومی. اینکه چه کسی اجازه اعمال خشونت در برابر چه کسی را دارد نیز از همین دسته می باشد. در محیط خانواده بیش از مکان های دیگر می آموزیم. این آموزش به شکلی خودکار و بدون اینکه لازم باشد به خود فشار بیاوریم و یا متوجه شویم اتفاق می افتد. "جامعه پذیری" نام تخصصی این فرایند می باشد.

همان گونه که می توانیم زبان مادری را بدون فراگرفتن دستور زبان صحبت کنیم، می توانیم در کشور خود "درست" رفتار کنیم، بدون اینکه قواعد زندگی اجتماعی را آموخته باشیم.

هنگامی که در کشور دیگری حضور داریم، لازم است که علاوه بر زبان آن کشور، مقررات زندگی اجتماعی مربوطه را نیز بیاموزیم. مثلا اینکه چگونه به افراد دیگر سلام کنیم، تا چه اندازه به موقع سر قرار ملاقات حاضر شویم، یا اینکه معنی این که زنی غریبه شروع به صحبت کردن با من می کند چیست. در صورتی که قواعد زندگی اجتماعی را ندانیم، ممکن است که دیگران ما را درست درک نکرده و یا بدون اینکه دلیل آترا بدانیم، به ما بی توجهی کنند.

ممکن است که رفتار بی ادبانه ای از ما سر بزنند در حالی که می خواستیم مودبانه رفتار کنیم. حتی

امکان دارد که ناخواسته و نادانسته عملی مغایر با قانون انجام دهیم. به همین دلیل است که حضور در کشوری غریبه در ابتدا معمولا بسیار سخت و طاقت فرسا می باشد. اگرچه این مسئله فوایدی هم به همراه دارد. مثلا اینکه چیزهایی را که قبلا به صورت ناخودآگاه یادگرفته ایم را بازاندیشی کرده و رفتارهای جدیدی را یادگرفته و امتحان کنیم.

بسیاری از مطالب را میتوان با مشاهده و تقلید کردن یاد گرفت. همچنین امکانات گوناگونی برای کمک به آموختن قواعد زندگی اجتماعی در آلمان وجود دارند، که از این جمله می توان به عنوان مثال به کلاس های زبان، کلاس های ادغام در جامعه، اطلاعات موجود در سایت های اینترنتی و نیز خدمات اجتماعی مستقر در اقامتگاه های مهاجران اشاره کرد. از این امکانات می توان هنگامی استفاده کرد که مطلبی گنگ باشد و یا در مورد آن مطمئن نباشیم. خیلی اوقات گفتگو با کسانی که از وطن شما به آلمان آمده و سال های زیادی در اینجا زندگی کرده اند و یا با دوستان و همکاران آلمانی هم می تواند، در مواقعی که درک برخی از رفتارها برای تان سخت است، مفید باشد.

آموختن مقررات زندگی اجتماعی یک کشور قدم مهمی در راستای ایجاد توانایی در افراد برای زندگی کردن در آن سرزمین می باشد. همزمان، به احتمال بسیار زیاد رفتارها یا قواعدی نیز وجود خواهند داشت که در ابتدا برای شما ناملموس هستند. در این موارد بسیار مهم است که در مورد معانی احتمالی این رفتارها تفکر یا پرسش کنید. به این شکل، انسان اغلب می تواند گونه ای از رفتار را بهتر درک کرده و آن را بپذیرد.

! اینکه چه کسی مجاز به اعمال
خسونت علیه چه کسی است هم به
ارزش ها و حقوق اجتماعی بستگی
دارد. این بدین معناست که حتی
زمانی که برخی از رفتارها احتمالا
به عنوان رفتارهای قانونی تلقی
می شوند نیز امکان دارد، که این
رفتارها در آلمان غیر قانونی بوده و یا
حتی به جریمه شدن فرد بیانجامند.
از این رو شناخت قوانین و حقوق
آلمان برای جلوگیری از رفتارهای
غیر قانونی ناخواسته بسیار مهم می
باشد. به علاوه داشتن شناخت در
مورد حقوق خود، محافظت از خود و
اشخاص دیگر را آسان تر می سازد.

مثال ها:

هنگامی که شخصی در حین گفتگو به چشمان
شخص دیگر نگاه نکنند، ممکن است این امر به
عنوان نشانه بی احترامی تلقی شود، در حالی که
احتمالا منظور شخص از این حرکت ابراز احترام
بوده است.

دلیل اینکه در مواردی احساس می کنیم که قواعد
اجتماعی "اشتباه" هستند این است که دیدگاه
های موجود در مورد ارزشها در کشور جدید با
دیدگاه هایی که آنها را فراگرفته ایم متفاوت اند.
این دیدگاه ها می توانند در مورد این باشند
که مردان، زنان، کودکان، والدین یا همچنین
پیروان یک دین خاص یا اقلیت ها از چه حقوقی
برخوردار هستند.



خیلی وقت ها اصلا نمی دانیم که دیدگاه های ارزشی خاصی داریم که آنها را یادگرفته ایم. این از آنجا سرچشمه می گیرد که ما این مطالب را اغلب ناخودآگاه آموخته ایم. از آنجا که دیدگاه های ارزشی ما برایمان بسیار ملموس و عادی هستند، در برخی از موارد حتی نمی دانیم که دیدگاه های ما دقیقا کدام اند. ولی هنگامی که در کشور دیگری زندگی می کنیم، داشتن شناخت نسبت به ارزش های خود و ارزش های کشور جدید امری بسیار مهم می باشد. اغلب همین تفاوتها هستند، که به ما کمک می کنند که در مورد دیدگاه های ارزشی خودمان و دیدگاه های غریبه به تفکر، بحث و تحقیق پردازیم.

قوانین و مبانی حقوقی در آلمان

قوانین پایه ای آلمان در قانون اساسی (بند ۱-۱۹) تعریف شده اند. موارد زیر از جمله حقوق مهم هستند:

- برخورداری از حق زندگی و سلامت جسمی (بند ۲- پاراگراف ۲)
- برابری مرد و زن (بند ۳- پاراگراف ۲)
- محافظت در برابر هرگونه تبعیض به واسطه جنسیت، قومیت، نژاد، زبان، وطن و اصلیت، دین، اعتقادات مذهبی یا سیاسی و معلولیت (بند ۳- پاراگراف ۳) و
- برخورداری از حق آزادی انتخاب دین و وجدان و آزادی در اقرار به هر دین یا جهان بینی (بند ۴- پاراگراف ۱)

قانون اساسی در سایت اینترنتی www.bundestag.de/grundgesetz (به آلمانی) در دسترس قرار داده شده است. برای دستیابی به نسخه های ترجمه شده قانون اساسی به زبان های اسپانیایی، انگلیسی، ایتالیایی، ترکی، چینی، صربستانی، فارسی، فرانسوی، روسی، عربی و لهستانی می توانید به سایت زیر مراجعه کنید:

www.bamf.de/SharedDocs/Anlagen/DE/Publikationen/Broschueren/das-grundgesetz.html

علاوه بر این، بررسی قانون اساسی یکی از نکات موجود در کلاس های ادغام در جامعه است.

اعمال ممنوعه و اندازه مجازات در نظر گرفته شده برای این اعمال در صورت دادگاهی شدن در کتاب قانون مجازات (Strafgesetzbuch) مشخص شده اند.

کتاب قانون مجازات همچنین در برگیرنده اعمالی می شود که در حریم شخصی، یعنی محیط خانواده و در روابط بین زوج ها، انجام می شوند، که از این دسته می توان به عنوان مثال به موارد مربوط به مسائل جنسی اشاره نمود.

به عنوان مثال پاراگراف ۱۷۷ تعرض جنسی؛ آزار جنسی؛ تجاوز

(۱) هر کس که بر خلاف خواسته مشهود شخص دیگر به انجام اعمال جنسی نسبت به او اقدام کرده و یا از طرف او مورد اعمال جنسی قرار گیرد یا او را برای انجام یا تحمل اعمال جنسی روی یا توسط شخص ثالث معین نماید، با مجازات حبس به مدت زمان شش ماه تا پنج سال جریمه می شود.

جنسی در اینگونه موارد می تواند جرم محسوب شود، حتی در صورتی که کودک یا نوجوان موافق باشد. به عنوان مثال:

- انجام اعمال جنسی با یا بر روی کودکان زیر ۱۴ سال تحت هر شرایطی جرم است (§ 176 StGB)
- انجام اعمال جنسی توسط سرپرستان (مثلا آشنایان یا معلمین) بر روی نوجوانان زیر ۱۶ سال همواره جرم محسوب می شود
- انجام اعمال جنسی با یا بر روی نوجوانان زیر ۱۸ سال، در صورتی که از وابستگی نوجوان (به فرد متخلف) برای اقدامات جنسی سوء استفاده شود، جرم است.

در این موارد سخن از “سوء استفاده جنسی” می باشد.

از آنجا که بزرگسالان به راحتی می توانند کودکان و نوجوانان را تحت تاثیر قرار داده و یا آنها را بواسطه وابستگی شان تحت فشار قرار دهند، برای کودکان و نوجوانان قوانین خاصی وجود دارد. علاوه بر این، تصور بر این است، که کودکان و نوجوانان ابتدا باید بیاموزند که با نیازها و حد و مرز خود در زمینه مسائل جنسی آشنا شوند.

این قانون در مورد زوج هایی که ازدواج کرده اند نیز صدق می کند. این یعنی اینکه، اساسا باید هر دو طرف با آمیزش جنسی موافق باشند، حتی وقتی که ازدواج کرده باشند. مرد و زن در این مورد از حقوق یکسان برخوردارند. هیچ یک از مطالبات و خواسته های جنسی به افراد این حق را نمی دهد، که بدون توجه به خواسته و میل فرد مقابل، اقدام به برقراری روابط جنسی کنند. همچنین نباید شریک (جنسی) تحت فشار قرار داده شود. به این شکل، از حق تسلط و اختیار شخص بر بدن خود و در نتیجه از سلامت جسمی و روحی او محافظت می شود.

از سال ۲۰۱۶ اذیت و آزار جنسی نیز تحت

پیگرد قانونی قرار می گیرد. از این جمله

می توان به مواردی همچون به زور بوسیدن یا دست اندازی به نواحی خاصی از بدن مانند سینه ها و یا باسن، در صورتی که این اعمال بر خلاف خواسته فرد قربانی بوده و به “شیوه ای جنسی” انجام گیرد، اشاره نمود. (به پاراگراف ۱۸۴i کتاب قانون مجازات مراجعه شود - §184i StGb)

این اتفاق در اماکن عمومی مانند خیابان و یا همچنین در محل کار می افتد. قربانی در بسیاری از موارد در حین این عمل غافلگیر می شود. قصد متخلف از این عمل، نشان دادن تسلط و قدرت خود نسبت به قربانی است.

در این گونه شرایط قربانی معمولا احساس می کند که مورد تحقیر و توهین بسیار قرار گرفته است.

در خصوص نزدیکی جنسی بزرگسالان (سنین بیش از ۱۸ سال) با کودکان و نوجوانان (سنین زیر ۱۸ سال) قوانین دیگری وجود دارد. نزدیکی

در کتاب قانون مجازات مشخص شده است، که به ازدواج درآوردن اشخاص بوسیله اعمال زور در آلمان ممنوع است. در پاراگراف ۲۳۷ می خوانیم: "پاراگراف ۲۳۷ - ازدواج اجباری (۱) فردی که شخص دیگری را به صورت غیر قانونی و با استفاده از خشونت یا بواسطه تهدید به امری آسیب رسان و ناخوشایند به قبول ازدواج مجبور کند، با حکم حبس به مدت شش ماه تا پنج سال مجازات می شود. یک عمل هنگامی غیر قانونی تلقی می شود، که خشونت اعمال شده یا تهدید به امری ناخوشایند برای رسیدن به یک هدف مشخص، غیر اخلاقی جلوه کند."

همچنین در بند های دیگر از پاراگراف ۲۳۷ مشخص شده است، که انتقال فرد به مکانی خارج از آلمان برای مجبور کردن او به قبول ازدواج و حتی تلاش کردن برای انجام چنین اقدامی جرم محسوب می شود.

کتاب قانون مجازات در اینترنت و با استفاده از نشانی های زیر در دسترس شما قرار دارد:
www.gesetzeim-internet.de/stgb/index.html
(به آلمانی) www.gesetzeim-internet.de/englisch_stgb/index.html (به انگلیسی)

افسانه های موجود در رابطه با تجاوز به زنان

حتی امروزه هم پیشداوری های زیادی در این رابطه وجود دارد. برخی از مردان و زنان، زانی را که مورد تجاوز قرار گرفته و در مورد این اتفاقات گزارش می دهند، مقصر می دانند. در بسیاری از موارد گفته می شود، زن رفتار اشتباهی از خود بروز داده و یا اینکه باید از خود دفاع می کرده. مهم است بدانیم، هنگامی که یک زن مورد تجاوز قرار می گیرد از ترس در جای خود میخکوب می شود. در این حالت دفاع از خود ممکن است باعث بروز خطرات بیشتر برای زن بشود. از نظر قانون، تنها گفتن کلمه "نه" کافیست.

یک زن هیچگاه مقصر تجاوزی که از طرف یک مرد به او شده است نمی باشد! در ضمن رفتار او قبل از یا در هنگام تجاوز هیچ نقشی در تعیین مقصر ندارد. مثلاً اینکه او چه لباسی پوشیده و یا اینکه آیا او هنگام شب به تنهایی در حال تردد بوده است. همیشه متخلف مقصر است!

این تصور که متخلف همیشه یک غریبه است نیز اشتباه است: بیشتر تجاوزها از طرف افرادی که در محیط نزدیک و شخصی زنان وجود دارند، انجام می شوند.

این که یک زن با متهم کردن یک مرد به انجام تجاوز تنها می خواهد از او انتقام بگیرد و یا به او صدمه بزند نیز اشتباه است. بر اساس آمار پلیس اتهامات بی پایه و اساس بسیار نادر بوده و فقط در ۳٪ از همه موارد اتفاق می افتند. بسیار بیشتر از این، مواردی هستند که در آنها زنان اصلاً اقدام به شکایت نمی کنند، در ۹۰٪ از موارد. ترس زنان از این که ادعای آنان را باور نکنند و یا در برخی از موارد شرم کردن از گفتگو در مورد اتفاق رخ داده از جمله دلایل این آمار می باشند.

منبع: نمونه ای از تحقیقات وزارت فدرال خانواده، سالمندان، زنان و نوجوانان.

www.bmfsfj.de/blob/84328/0c83aab6e685eeddc01712109bcb02b0/langfassung-studie-

frauteil-eins-data.pdf

کتاب قانون دیگری که در آن قوانین و وظایف شهروندی معین شده اند، کتاب قانون شهروندی (Bürgerliches Gesetzbuch, BGB) نام دارد. این کتاب دربرگیرنده قواعد مربوط به قرارداد های خرید و فروش، بده کاری، اجاره کردن یا اجاره دادن خانه و یا مسائل مربوط به وراثت است. در بخش چهارم از این کتاب، حقوق و وظایف موجود در حوزه خانواده مشخص شده اند، یعنی این بخش در مورد روابط حقوقی بین والدین و فرزندان و در بین بستگان می باشد.

به عنوان مثال در کتاب قانون شهروندی پیش شرط هایی که برای صورت گرفتن ازدواج لازم هستند و اینکه در چه زمانی ازدواجی که منعقد شده است را می توان منسوخ اعلام کرد، مشخص شده اند.

از جولای ۲۰۱۷ قاعده ای قانونی مبنی بر این وجود دارد که، یک ازدواج تنها زمانی اعتبار دارد که سن هر دو زوج خواستار ازدواج حداقل ۱۸ سال باشد. در مورد ازدواج هایی که در زمان عقد آنها سن حداقل یکی از طرفین زیر ۱۸ سال بوده است، قوانین زیر وجود دارند:

در صورتی که سن یکی از طرفین در زمان عقد ازدواج کمتر از ۱۶ سال بوده باشد، این ازدواج به صورت خودکار اعتبار ندارد. برای زوج هایی که مدت زیادی از ازدواج آنها می گذرد قوانینی برای گذر از شرایط موجود می باشد.

در مواردی که در آنها سن حداقل یکی از طرفین در زمان ازدواج بین ۱۶ و ۱۸ سال بوده است، ازدواج معمولاً توسط حکم قاضی فسخ می شود. در صورتی که فسخ ازدواج شرایط ویژه و سختی برای

یکی از طرفین به همراه داشته باشد و یا یکی از طرفین که در زمان ازدواج به سن قانونی نرسیده بوده است اکنون به این سن رسیده باشد و ضمناً ازدواج را تایید کند، امکان صرف نظر از فسخ ازدواج وجود دارد.

در پاراگراف ۱۳۱۴، بند ۲ از کتاب قانون شهروندی مشخص شده است که ازدواج های اجباری را می توان فسخ کرد. برای انجام این امر لازم است که تقاضای مربوطه در مهلت زمانی حداکثر یک سال (پس از ازدواج) به صورت کتبی تحویل مراجع قانونی شود (پاراگراف ۱۳۱۴، بند ۲، BGB).

برای دستیابی به نسخه کامل کتاب قانون شهروندی، می توانید از آدرس های اینترنتی زیر استفاده کنید: www.gesetze-im-internet.de/bgb (به آلمانی)

www.gesetze-im-internet/englisch_bgb/index.html (به انگلیسی)

فهمیدن متون حقوقی همیشه کار آسانی نیست. در صورت پدیدار شدن پرسش یا موارد نامفهوم میتوان از افراد مناسب کمک گرفت. مثلاً

می توان به خدمات اجتماعی موجود در یک اقامتگاه جمعی و یا به مراکز مشاوره (به بخش ۴، راه های خروج از خشونت مراجعه شود) مراجعه کرد.

دولت به عنوان قطب انحصاری اعمال خشونت در آلمان

پس در آلمان هر حرکتی با هدف جلوگیری از خشونت دیگر، تنها از راه اقداماتی به سفارش دولت قابل انجام است. استفاده از این اقدامات همچون دستبند، مواد اشک آور و آرام بخش، باطوم و سلاح های گرم، به شکلی بسیار سخت گیرانه تنظیم شده است. از این موارد باید تنها پس از تهدید به انجام آنها و برای دفاع در برابر خطر موجود برای سلامت و یا جان افراد استفاده شود. به علاوه این اقدامات باید از لحاظ اندازه و بر حسب شرایط موجود متناسب و منطقی باشند. این بدین معنا نیز می باشد که، مسائل "مذهبی" یا "سنتی" از نظر قانون توجیهی برای اعمال خشونت نمی باشند.

یکی از خصوصیات جوامع "مدرن" که با جوامع "سنتی" متفاوت است، "قطب انحصاری خشونت دولتی" می باشد.

وظیفه "قطب انحصاری خشونت دولتی" این است که خشونت (زور) تنها از طرف دولت و فقط برای جلوگیری از خشونت و یا برای مجازات خشونت اعمال شده در خارج از مرز های تعیین شده قطب انحصاری، اعمال شود. به صورت خلاصه، این همان چیزی است که نشانه ای از وجود اعتماد به جامعه و اعتماد در جامعه می باشد:

در صورت اعمال خشونت والدین بر کودک، اداره جوانان موظف است تا به سفارش دولت از کودک محافظت کند. اگر کارکنان تخصصی اداره جوانان (به عنوان اداره مسئول) به این نتیجه برسند که رشد مناسب و سالم کودک در خانواده در معرض خطر قرار گرفته است، آنگاه آنها این قدرت را دارند که والدین کودک را به پذیرش پشتیبانی های تربیتی وادار کنند.

آنها در موارد حاد وظیفه دارند، که کودک را برای مراقبت در یک خانواده دیگر (خانواده مراقب) یا در مراکز مربوطه جای دهند. در همین زمان والدین حمایت هایی را برای آموزش نحوه تربیت بدون خشونت دریافت می کنند، تا کودک بتواند دوباره نزد خانواده خود برگردد.

- پیش فرضی مبنی بر زندگی اجتماعی عاری از خشونت،
- خشونت انحصاری دولتی به عنوان موسسه ای که این زندگی اجتماعی بدون خشونت را تا حد ممکن فراهم ساخته (و در زمانی که غیر از این اتفاق بی افتد نظم اجتماعی را به صورت سمبلیک - با اعمال مجازات - مجددا برقرار کند) و
- این عقیده مشترک که عملکرد این نوع از جامعه مناسب است، یعنی در راستای آینده ای قدم بر میدارد که در آن امکان بروز خشونت و نیاز به آن همواره در حال کاهش است.

۳. دلیل وجود خشونت چیست؟

چنین شخصی می تواند از این طریق، مقاصد شخصی خود را پیش برده و موضع قدرت خود را تقویت کند. این مسئله همواره با خشونت در ارتباط می باشد، زیرا به ایجاد محدودیت هایی بر ضد شکوفایی شخصیتی افراد دیگر می انجامد.

خشونت ساختاری

تقسیم قدرت در یک جامعه تابع قواعد و یا ساختارهای خاصی می باشد. هرگاه تقسیم قدرت به شکلی نابرابر باشد، یعنی افراد و یا گروهی از افراد مورد تبعیض واقع شوند، مثلا هنگامی که آنها مجاز به کارکردن نباشند و لذا موفق به اخذ درآمد مالی نشده و به این علت قادر به تحصیل در مدارس نباشند و از یاد گرفتن کار و حرفه ای محروم شوند، سخن از خشونت ساختاری خواهد بود. خشونت ساختاری، در بطن خود، یک نوع بی عدالتی محسوب می شود. البته این بی عدالتی همچنین باعث ترویج خشونت در سطوح سازمان ها و خانواده ها می شود.

مثال ها:

هنگامی که در یک جامعه مردان همیشه مجاز به کارکردن بوده اما زنان فقط تحت ضوابط خاصی امکان اشتغال برخوردار باشند، امکان دسترسی به پول و در نتیجه قدرت به صورت مساوی تقسیم نمی شود. وقتی که تنها مردان خانواده درآمد کسب کنند و یا سوبسید های مالی دولتی تنها به آنها پرداخت می شود، معمولا این مردان هستند که اختیارات مالی خانواده را در دست دارند.

خشونت می تواند برای هر فردی پیش آمد کند، هم برای پناهجویان و هم شهروندان بومی، زنان، مردان و یا کودکان. همزمان و اساسا همه افراد، بر حسب قیود و پیش شرط های موجود، دارای توانایی اعمال خشونت علیه افراد دیگر هستند. برای درک ماهیت خشونت، مهم است که چهارچوب های اجتماعی بیشتر مورد ملاحظه قرار گیرند.

علاوه بر این امکان دارد که سرچشمه بروز رفتارهای خشونت آمیز در خود افراد موجود باشد، که از این دسته می توان به موقعیت هایی که در آنها فرد زیر فشار قرار می گیرد و یا بیماری های روحی خاصی که زمینه بروز خشونت را فراهم می سازند، اشاره کرد.

چهارچوب های اجتماعی - خشونت و قدرت

اعمال خشونت، به هر شکلی، به نحوه بکارگیری قدرت بستگی دارد. قدرت معمولا خود را در روابط بین انسان ها نشان می دهد. مثلا هنگامی که یک نفر پول بیشتر، دانش یا مدرک تحصیلی بالاتر، ارتباطات اجتماعی گسترده تر یا نیروی بدنی بیشتر داشته و یا از موقعیت و پست سازمانی برتری بهره می برد، که به واسطه آن از حقوق بیشتری در جامعه برخوردار می شود، می تواند از این طریق بر اشخاص دیگر اعمال نفوذ کرده و محدودیت هایی را برای آنها و در مقابل شکوفایی شخصیتی شان ایجاد کند.

! خشونت ساختاری به مفهوم عدم تعادل در تقسیم قدرت در سطح جامعه می باشد. بخشی از اعضای یک جامعه، مثلا زنان و یا دختران، از حقوق کمتری برخوردار بوده یا امکانات کمتری برای دفاع از حقوق خود، هنگامی که حقوق شان پایمال شود، دارند. در هیچ جامعه ای، قدرت به نسبت مساوی تقسیم نشده است. در عین حال تفاوت های زیادی در میزان نابرابری های موجود وجود دارد. هر قدر که این تفاوت ها بیشتر باشند، خشونت های بین انسانی حاصله نیز وسیع تر می شوند.

باشند، استفاده کنند. در این راستا بسیار مهم است که والدین به نیازهای فرزندان خود توجه کرده، آنها را به عنوان افرادی مستقل مد نظر قرار داده و به آندسته از نظرات و تصمیماتشان که مربوط به امور خود کودکان می باشند، بها دهند. اختیارات والدین نباید برای به کرسی نشاندن دیدگاه های خود یا رسیدگی به نیازهای خود با استفاده از امکانات کودکان، مورد سوء استفاده قرار گیرند. یکی دیگر از مسؤلیت ها خرج کردن پول برای مایحتاج زندگی می باشد، که در این مورد هم لازم است که نیازهای فرزندان به شکلی متناسب در نظر گرفته شوند.

خشونت سازمانی

در سازمان ها و مراکز مختلف مقررات مشخصی حکم فرما هستند، که تعیین کننده حقوق هر شخص در آن مجموعه می باشند. در اینجا هم عدم تعادل در قدرت وجود دارد، که توسط این مقررات مشخص میگردد. مثلا بین آموزگاران و دانش آموزان، بین روسا و کارمندان و یا در یک اقامتگاه جمعی بین مدیریت و ساکنین.

این مقررات می توانند برای اشخاص مانعی در برابر کارهایی که مایل به انجام آنها هستند، باشند. به عنوان مثال تهیه کردن غذایی خاص برای خود (و خانواده). به این صورت حق اختیار آنها محدود می شود. به همین دلیل هم در این موارد سخن از خشونت سازمانی است. در عین حال کارکنان و کارمندان مجاز نیستند که از قدرتشان به اشتباه و برای رسیدن به خواسته های شخصی خود سوء استفاده نمایند.

مالکیت پول در برخی از موارد بسیار مهم است زیرا باعث ایجاد وابستگی می شود. در اینگونه موارد این مرد است که دارای حق تصمیم گیری در مورد چیزهایی است که با پرداخت پول خریداری می شوند. او می تواند زن را برای انجام برخی از کارها تحت فشار قرار داده و یا از خرید موارد ضروری برای رفع نیاز های زن جلوگیری کند.

قدرت اصولا امری منفی نمی باشد، بلکه می تواند به عنوان پذیرش مسؤلیت توسط شخص تلقی شود. فردی که از قدرت و اختیاراتی نسبت به فرد دیگری برخوردار است، باید به شکلی مسؤلانه با این قدرت رفتار کند. مثلا والدین نسبت به فرزندان خود از قدرت برخوردارند. فرزندان به آنها وابسته هستند. والدین باید از این قدرت برای پشتیبانی از فرزندان خود و در راستای تربیت هرچه بهتر آنان با هدف پرورش آنها به عنوان بزرگسالانی که به صورت مستقل و بدور از هرگونه اجبار خارجی قادر به شکل دادن به زندگی خود

چه تصویری خشونت را توجیه می‌کند؟

است. تقسیم کردن انسانهای یک جامعه به گروه‌های والا و دون مایه تنها بر اساس یک ویژگی مشخص، فقط یک نوع بهانه برای توجیه اعمال خشونت و قدرت می‌باشد.

ایجاد تعادل در تقسیم قدرت

از آنجا که قدرتمندان در جامعه حقوق و قوانین را بر حسب منافع خود وضع می‌کنند، قربانیان اینگونه خشونت‌های ایدئولوژیک تنها از امکانات کمی برای مقابله برخوردارند. گاهی حتی قربانیانی که در چنین محیطی، که در آن این نوع از جهانبینی حکمفرما است، رشد کرده و از خود در برابر این خشونت‌ها دفاع نمی‌کنند، این تصورات ایدئولوژیک را مبنی بر اینکه خشونت روارفته بر آنان قانونی می‌باشد، می‌پذیرند. بدین صورت این سیستم خشونت‌پا برجا مانده و تقویت می‌شود.

مهمترین عامل برای ایجاد تغییر در این سیستم و ایجاد دستگامی بر پایه احترام متقابل و انسانیت، این است که افرادی که خود در راس امور هستند، در درجه اول خودشان برای تقسیم متعادل قدرت در سطح جامعه و مهمتر از همه در سطح روابط بین انسانی در خانواده اقدام کنند. چنین دستگامی که بر پایه احترام متقابل و انسانیت بنا شده است، نه تنها باعث از بین رفتن امکانات فرد برای رسیدن به خواسته‌های خود نخواهد شد، بلکه موجب می‌شود تا خواسته‌های همه افراد از راه گفتگو و تعامل به بهترین وجه برآورده شده و در نتیجه خانواده و جامعه تقویت شوند.

ممکن است برخی افراد از نحوه تقسیم قدرت در جامعه، در یک اقامتگاه یا در خانواده، مثلا در بین جنسیت‌ها یا اقوام گوناگون، به عنوان توجیهی برای رفتار خشونت‌آمیز خود سوء استفاده کنند. در حالی که این رفتار نه خواسته جامعه را، بلکه تنها خواسته شخصی او را برآورده می‌کند. اینگونه اشخاص برای خشونت خود به این صورت دلیل می‌آورند که، موضع قدرت به آنها این حق را داده است که اعمال خشونت کنند.

در برخی از موارد، تفسیرهای موجود از کتاب‌های مذهبی یا ایدئولوژی‌های گوناگون موضع خشونت را امری صحیح و تغییرناپذیر می‌دانند. جهان‌بینی‌های خشونت‌آمیز دربرگیرنده تصویری مبنی بر وجود انسانهای برتر (والا تر) هستند که حکومت و تعیین تکلیف می‌کنند و اجازه اعمال خشونت و قدرت را دارا بوده و یا حتی بعضا مجبور هستند که اعمال خشونت و قدرت کنند. و همچنین تصور انسانهای کم‌ارزش (دون مایه)، که لازم است تحت محافظت بوده، دوباره تربیت شده، کنترل شده، به راه راست هدایت شده و یا حتی نابود شوند.

ملاک برای این نوع تفاوت قائل شدن میان افراد به عنوان والا و دون مایه، اکثرا بر حسب جهانبینی و بر پایه مواردی مانند جنسیت، یعنی بین مردان و زنان، یا براساس پیروی از مذهب و یا رنگ پوست و وابستگی قومی بنا شده است. این مبانی اساسا به صورت دلخواه تعریف شده‌اند، زیرا هر انسانی در نوع خود یکتا بوده و خصوصیات متفاوتی را در درون خود جای داده

خشونت فرهنگی و مذهبی

خشونت میتواند از طریق قواعد رفتاری یا ممنوعیت هایی که بر پایه رسوم، ارزش های فرهنگی و یا مذهب تعیین شده اند، بروز کند. در جوامعی که در آنها مردسالاری مرسوم است، یعنی جوامعی که در آنها مردان از ارزش بالاتری نسبت به زنان برخوردارند، به ویژه برای زنان قواعد سختی وجود دارند. به عنوان مثال زنان در مواردی همچون لباس پوشیدن، رفت و آمد و حفظ روابط اجتماعی شان به شدت محدود می شوند. به علاوه، این مقررات به عنوان مثال امکان محافظت از خود در برابر خشونت موجود در رابطه زناشویی را از زن صلب می کنند.

خشونت که بخشی از جامعه، یک موسسه و یا خانواده را نشانه گرفته و هدف آن کاهش خشونت نباشد، در بلند مدت همواره به همه جامعه، موسسه یا خانواده آسیب بسیار جدی می رساند. پژوهش ها نشان می دهند که بین گستره و اندازه خشونت و فقر اقتصادی در سطح جامعه رابطه ای وجود دارد. خشونت در سطح خانواده برای افراد تحت تاثیر قرار گرفته شامل پیامدهای ذکر شده در فصل اول می باشد. خشونت در روابط خانوادگی به معنای وجود شاخصه های اعمال قدرت و سرکوب در این روابط می باشد. احترام، علاقه به یکدیگر و حمایت فقط زمانی میسر میشوند که دو جانبه باشند.

آزار جنسی در بسیاری از موقعیت های روزمره زندگی پیش می آید.



**! همه انسانها در مقابل قانون برابرند.
زنان و کودکان دارای همان حقوقی
می باشند که مردان از آنها برخوردارند
و مجازند که خود شان تصمیم گیری
کنند. قانون و مذهب دو مقوله مجزا از
یکدیگر می باشند.**

می آید. چنانچه شخصی از اجرای مجازات سرپیچی کند، ممکن است که خود او مجازات شده و یا دست کم با پیامدهای اجتماعی، نظیر بی احترامی یا طرد شدن از جامعه، مواجه شود.

در آلمان امکاناتی برای محافظت از افراد، در مواقعی که به دلیل بروز اینگونه فشارهای اجتماعی خطر آنها را تهدید می کند، وجود دارد. اطلاعات بیشتر در مورد امکانات محافظت و کمک در موارد ضروری را می توانید از مراکز مشاوره و یا پلیس دریافت کنید. (فصل ۴، راههای خروج از خشونت)

فرهنگ خشونت

در کشورها و یا مناطقی که در آنها مردم در طی سالیان دراز و یا دهه های متوالی درگیر جنگ و یا جنگ های داخلی بوده اند، ممکن است که خشونت برای مردم به بخشی "عادی" از زندگی روزمره تبدیل شود.

کودکان در این مناطق در "فرهنگ خشونت" بزرگ می شوند. آنها رفتار خشونت آمیز را به عنوان روشی عادی برای سامان دادن به دعوای و رسیدن به خواسته های خود می پذیرند. در این موارد لازم است که روش های عاری از خشونت برای حل دعوای، همچون میانجیگری یا مذاکره، از نو فراگرفته شوند.

در صورت مراعات نشدن این قواعد و ممنوعیت ها توسط یک فرد، رسوم، ارزش های فرهنگی و یا مذهب امر به مجازات او می کنند. این مجازات ها می توانند شامل مواردی مانند اخراج از جامعه یا گروه، ممنوعیت خروج از خانه، قطع اعضاء بدن و حتی اعدام باشند. اینگونه مجازات ها معمولا توسط خانواده اجرا می شوند. یک نمونه مثال برای این موارد ارتکاب به قتل برای حفظ شرافت و آبرو یا به عبارتی "قتل شرافتی" است، که بر اساس گزارشات سازمان ملل سالانه جان حدود ۵۰۰۰ زن را می گیرد.

هدف از این مجازات ها پیشگیری از خشونت های بعدی نبوده و تنها به این منظور انجام می شوند، تا با بی رحمی افراد را مجبور به پیروی از مقررات وضع شده کنند. در جوامع مردسالار، نه تنها قوانین بسیار سخت تری برای زنان وضع می شوند، بلکه در صورت عدم رعایت این قوانین، مجازات وارد بر زنان به مراتب شدیدتر می باشند.

همزمان بواسطه این قواعد نوعی جبر اجتماعی مبنی بر اجرای مجازات و اعمال خشونت بوجود

عوامل بروز رفتارهای خشونت آمیز از نظر روانشناسی

در چنین شرایط سختی، گفتگو درباره مسائل موجود با یک فرد قابل اعتماد اغلب می تواند به شخص کمک کند. امکان گفتگو با خدمات اجتماعی حاضر در اقامتگاه جمعی یا مراکز مشاوره (به بخش نشانی ها مراجعه کنید) نیز وجود دارد، که این می تواند از فشارهای موجود بکاهد.

با در نظر گرفتن انسان ها به صورت انفرادی، می توان گفت که فشارهای بزرگ روحی و یا امراض روحی و روانی، میتوانند دلایلی برای رفتارهای پر خاشکراانه و خشونت آمیز باشند.

بیماری های روحی و روانی

بیماری های روحی روانی نیز می توانند موجب تمایل فرد برای اعمال خشونت در روابط بین انسانی شوند.

بروز به شدت قوی شاخصه ها یا ویژگی های شخصیتی را بیماری های روانی می نامند. مثلا طرز تفکر و احساس، نگرش به محیط اطراف و برداشت های موجود از این محیط و یا برخورد با افراد دیگر. این ویژگی های شخصیتی برای شخص مبتلا و حتی اطرافیان او ایجاد مشکل می کنند. در اینجا صحبت از یک بیماری می باشد، به این مفهوم که شخص مبتلا قادر نیست، افکار، احساسات و عکس العمل های خود را به شکلی ارادی تحت فرمان داشته باشد و یا تغییر دهد.

بیماری های روانی گوناگونی وجود دارند که نام ها، نشانه ها و عوارض این بیماری ها در "طبقه بندی آماری بین المللی بیماری ها و عوارض بهداشتی مربوطه" (ICD-10, "International Statistical Classification of Diseases and Related Health Problems") تعیین شده اند.

فشار های روحی می توانند به دلیل تجربیات گذشته وجود داشته باشند. مثلا تجربه شخصی خشونت یا درک موقعیتی که جان شخص در آن با خطر مواجه بوده است، مثلا بواسطه جنگ، تعقیب یا در راه گریز. این موارد می توانند به بد خوابی، سر درد، دل درد و افزایش تحریک پذیری و پر خاشگری در فرد بی انجامند. گاهی هم این موارد، مصرف بیش از حد مشروبات الکلی و مواد مخدر را به همراه دارند.

چنانچه در چنین مواردی فشاری مضاعف به فرد وارد شود، مثلا به خاطر انتظار طولانی و یا مطمئن نبودن از سرانجام پرونده پناهندگی، به دلیل دریافت خبر رد شدن درخواست پناهندگی، به دلیل تهدید به اخراج از کشور، به واسطه رد شدن تقاضای الحاق خانواده، به خاطر ترس و نگرانی در مورد بازماندگان خانواده در میهن، به دلیل مشاهده در اقامتگاه مهاجران و یا به سبب برخوردهای نژاد پرستانه و عدم پذیرش در فضای عمومی جامعه، آنگاه این فشارها به منزله استرس و اضطرابی سهمگین هستند، که می توانند به از دست دادن کنترل شخصی و ناخواسته به خشونت ورزی منجر شوند. تعداد اینگونه از خشونت ها، بر حسب آمار، بسیار کم بوده ولی امکان رخ دادن آنها وجود دارد.

در میان بیماری های بسیار متنوع روانی، دو گونه از "اختلالات شخصیتی" وجود دارند که به تمایل مضاعف مبتلایان به اعمال خشونت می انجامند. اولی را "اختلالات شخصیتی حساس-ناپایدار" می نامند. افرادی که از این نوع اختلالات شخصیتی رنج می برند، با حساسیت بسیار زیادی به شرایط ناهنجار در روابط بین انسانی مانند دعوایا، طرد شدن، ناامیدی و یا بروز انتظارات واکنش نشان می دهند.

آنها به سرعت احساس ناامیدی و مورد تهاجم واقع شدن کرده و همواره زیر فشارهای درونی هستند. به این دلیل است که معمولا در چنین شرایطی با اتهام زدن، خشم غیر قابل کنترل

و پرخاشگری نسبت به دیگران واکنش نشان می دهند. البته واکنش آنها در برخی از موارد، گوشه گیری و یا بی ارزش شمردن خود می باشد. فرد معمولا احساسات خود را غیر قابل کنترل، متغیر و ناپایدار می پندارد، که این مسئله برقرار کردن روابط طولانی عاطفی یا تماس با دیگران را برای شخص مشکل می سازد. فشار درونی این گونه افراد گاهی آنقدر زیاد می شود که آنها اقدام به صدمه زدن به خود می کنند، تا بدین شکل احساس راحتی کنند. همچنین این بیماری می تواند باعث شود، که مبتلایان در مورد خودکشی فکر کرده و یا حتی آنرا انجام دهند.

دومین اختلالات شخصیتی که در رابطه با مقوله خشونت از اهمیت برخوردارند، "اختلالات شخصیتی ضد اجتماعی" نام دارند. شاخصه این

هر فرد می تواند به نوبه خود سهمی در زندگی جمعی عاری از خشونت داشته باشد.



مبتلایان از اهمیت ویژه ای برخوردار است، تا بدین وسیله از تعرض جنسی به کودکان جلوگیری شده و همچنین راه حلی برای بیمار جستجو شود، که بوسیله آن بتواند علازغم وجود این اختلالات زندگی کند.

عواقب برای متخلف – آیا انسان هایی که خشونت ورزی می کنند بیمار می شوند؟

در برخی از موارد یک بیماری روانی نه تنها دلیل اعمال خشونت، بلکه از عواقب و عوارض خشونت اعمال شده می باشد.

مثلا ممکن است که برای سربازان یا اعضای گروه های تروریستی که به صورت هدفمند اعمال خشونت می کنند، در صورتی که به اشتباه بودن عملکرد خود پی ببرند، نوعی درگیری یا کلنجار با خود (درونی) بوجود آید. ممکن است که احساسات خردکننده ای از گناه یا خجالت در فرد بروز کنند، که این امر می تواند به بیماری های روانی، مانند ضربه شدید روحی یا افسردگی بی انجامد.

در مواردی که یکی از اعضاء خانواده، معمولا پدر یا پسر، برای برقرارکردن قوانین فرهنگی یا مذهبی دست به اعمال خشونت می زند، اعتقاد به قانونی و صحیح بودن این عمل، از او در برابر بیماری های روانی "محافظت" می کند. البته در این موارد نیز ممکن است که پی بردن فرد به اشتباه خود، باعث بیماری های سخت روانی شود.

بیماری تمایل مبتلایان به رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت آمیز می باشد. دلیل این رفتارها این است که اینگونه بیماران فقط به منافع خود اندیشیده و عواقب رفتارشان، که دیگران را تهدید میکند، برای آنها اصلا مهم نیست و یا آنان قادر به درک احساسات دیگران نیستند. این دسته از افراد از دیگران در جهت دستیابی به منافع خود استفاده می کنند. این بیماران معمولا دست به ارتکاب جرم می زنند زیرا آنها نسبت به اطاعت از قوانین و مقررات بی تفاوت می باشند. این افراد از نظر شخصیتی معمولا بسیار حساس و شتابزده می باشند.

گونه ای دیگر از اختلالات روانی که می تواند بروز خشونت را افزایش دهد "بچه بازی (پدوفیلی)" می باشد. بچه بازی به عنوان "اختلال در اوایلویت بندی جنسی" طبقه بندی شده است. افراد مبتلا، میل به برقراری روابط جنسی با کودکان (قبل از سن بلوغ) را دارند. به این معنی که آنها نیاز زیادی به انجام مراودات جنسی با کودکان در خود احساس می کنند. البته این گونه مراودات در آلمان برای محافظت از کودکان ممنوع می باشند (به مبانی حقوقی و قوانین مراجعه شود). این برای بیماران بدین معنی است که آنها قادر به ارضاء نیازهای جنسی خود نمی باشند. در برخی از موارد، مبتلایان قادر به کنترل و یا سرکوب کردن این نیازها نمی باشند که این باعث خشونت جنسی بر ضد کودکان می شود.

بیماری های روانی را می توان با روان درمانی (فصل ۴، راه های خروج از خشونت) و اقدامات دیگر درمان کرد. تا امروز هیچ راهی برای درمان بچه بازی وجود ندارد. ولی روان درمانی برای

۴. راه های خروج از خشونت

چه کارهایی را می توانم در برابر خشونت انجام دهم؟

نشان دادن احترام

به اجرا می گذارم، و یا اینکه حاضرم تا خواسته ها و نیازهای فرزندانم را در نظر بگیرم؟ آیا موقعیت هایی وجود دارند که در آنها فرزندانم را، به عنوان مثال کتک می زنم، مورد فحاشی قرار می دهم یا جریمه می کنم؟ اگر پاسخ بلی است، چرا این کار را انجام می دهم؟ به چه چیز یا چه اقدامی احتیاج دارم تا بتوانم با فرزندانم رفتار محترمانه ای داشته باشم؟

خدمات پشتیبانی حرفه ای کمک خوبی در راستای ایجاد تغییرات در رفتار شخصی می باشند (ادامه در زیر).

احترام را طلب کنید

همان گونه که در فصل های ۲ و ۳ توصیف شد، خشونت با ارزش ها، گونه های رفتاری پذیرفته شده و نحوه تقسیم قدرت در یک جامعه یا گروه رابطه دارد. این موارد به نحوی زمینه ساز اعمال خشونت برعلیه زنان و کودکان می شوند. این یعنی اینکه، برای کاهش خشونت لازم است که روی این مقوله ها نیز کار شود.

من به عنوان یک شخص یا یک مرد، می توانم چه کاری را انجام دهم؟ زندگی بدون خشونت و با حقوق مساوی در رابطه زناشویی به نوبه خود نقش بزرگی در حقیقت بخشیدن به این هدف بازی می کند. این مورد می تواند به عنوان یک الگو اثر زیادی بر فرزندان و محیط اجتماعی داشته باشد. ترس ها و قید و شرط ها، به این مضمون که اگر مرد خانواده از ایفای نقش خود به عنوان

هر انسانی از حق زندگی بدون خشونت برخوردار است. برای کاهش دادن خشونت در روابط زناشویی و خانواده، باید در وهله اول، با نگاهی منتقدانه به رفتارهای خود در آنها تجدید نظر کنیم.

به عنوان مثال سوال های زیر می توانند در زمینه روابط زناشویی مفید باشند: آیا من به عنوان یک مرد همسر را محدود می کنم؟ آیا موضوعاتی وجود دارند که در آنها حقوق کمتری را برای او نسبت به خودم قائل هستم؟ آیا شرایطی وجود دارند که در آنها به همسر فحاشی کرده، او را مورد ضرب و شتم قرار داده و یا به شکلی دیگر مورد خشونت قرار می دهم؟ آیا حتی هنگامی که همسر مایل به این کار نیست با او همبستر می شوم؟ اگر جواب بلی است، چرا این کار را می کنم؟ به چه چیزی احتیاج دارم یا چه کاری را می توانم انجام دهم تا محترمانه و بدون خشونت ورزی با او رفتار کنم؟

پرسش های زیر می توانند در رابطه با نحوه رفتار با فرزندان هائز اهمیت باشند:

آیا به حق فرزندانم برای بهره بردن از تربیت عاری از خشونت احترام می گذارم؟ رفتار من در هنگام مناقشات چگونه است، آیا این من هستم که همواره راه حل مسئله را خود معین کرده و آنها

“رئیس خانواده” صرف نظر کند چه می شود، می توانند به این دلیل که این مرد این گونه زندگی را به تصمیم خود انتخاب کرده و اجرا می کند، از بین بروند. علاوه بر این، تلاش برای برقراری رفتار و برخورد محترمانه و عاری از خشونت در قبال زنان و کودکان در محیط اجتماعی، مثلا در خانواده، در بین دوستان، در محل کار یا در اقامتگاه جمعی، قدمی مهم و موثر می باشد.

مثال ها:

در مواقعی که شخصی در هنگام گفتگو، مواردی نامحترمانه و تحقیرکننده را در مورد زنان بازگو می کند، سکوت جایز نیست. در این مواقع لازم است به شکلی روشن بیان کنیم که ما برای گفتار و رفتار به روشی محترمانه ارزش قائل بوده و در نتیجه با چنین نقطه نظرهایی موافق نیستیم.

در صورت مشاهده مواردی که در آنها یک مرد با زنی به شیوه ای غیر محترمانه و توهین آمیز برخورد می کند، مهم است که بی توجه از کنار این مسئله نگذریم. لازم است که این رفتار توهین آمیز او را به وی گوشزد کرده و از او دعوت کنیم، تا به گونه ای محترمانه رفتار کند.

از کجا کمک بگیریم؟

کمک در موارد اضطراری

در موارد حاد بروز خشونت میتوان به صورت رایگان با شماره تلفن پلیس، شماره ۱۱۰، تماس

گرفت. پلیس موظف است که خود را به سرعت به محل برساند، تا از قربانی محافظت کند. در صورتی که جرم صورت گرفته باشد، پلیس موظف به تنظیم شکایتنامه می باشد.

در مواردی که خشونت خانگی صورت می گیرد، پلیس می تواند عامل خشونت را تا حداکثر ۱۴ روز از ورود به محل سکونت مشترک منع کند. پلیس همچنین می تواند برای به اجرا گذاشتن دوری از محل سکونت، شخص را به صورت موقت بازداشت کند.

پلیس در آلمان متعهد به قطب انحصاری خشونت دولتی می باشد. ماموران پلیس فقط زمانی مجاز به اعمال خشونت، مثلا بازداشت شخص با اعمال زور، هستند که این خشونت برای محافظت از امنیت اشخاص دیگر و یا خود پلیس لازم و در قانون وضع شده باشد. ماموران پلیس مجاز به برخورد و اقدام به صورت خودسرانه نمی باشند. مورد تحقیر قراردادن افراد به هر شکلی در بازجویی یا در هنگام بازداشت ممنوع است.

در مواردی از خشونت که مثلا متخلف و قربانی از نزدیکان هم هستند و یا نوعی وابستگی در میان آنها وجود دارد، قربانیان (در ابتدا) تمایلی به در جریان قراردادن پلیس و یا تنظیم شکایتنامه ندارند و یا در مورد تصمیم خود مطمئن نیستند. تصمیم گیری در باره لزوم و زمان ارائه شکایت، فقط در دست قربانی می باشد. و یا در دست متخلف، در صورتی که بخواهد خود را به پلیس معرفی کند تا به این شکل از پیگرد قانونی بعدی رهایی یافته و احتمالا از تحفیف در مجازات برخوردار شود.

امکانات مشاوره

صرف نظر از تنظیم شکایتنامه و یا مراجعه به پلیس، امکانات گوناگونی برای مشاوره وجود دارند.

! خدمات مشاوره ای در بیشتر موارد رایگان می باشند. بسیاری از آنها خدمات ترجمه را نیز ارائه می کنند.

مشاوره یعنی اینکه، با یک نیروی متخصص، مثلاً نیروی متخصص مددکاری اجتماعی یا روان شناسی، در مورد شرایط خود گفتگو کرده و همراه با او به جستجو برای یافتن راه هایی در جهت بهبود بخشیدن به شرایط پرداخته شود. در حین جلسه مشاوره هدف قضاوت در مورد مددجو یا رفتار او و یا بازجویی از او نمی باشد، بلکه مددجو همان گونه که هست ملاحظه و پذیرفته می شود. در طول مشاوره، این مددجو است که تصمیم می گیرد که در مورد کدام مطالب صحبت کرده و در مورد کدام یک از آنها گفتگو نکند. تصمیم گیری در مورد اینکه پس از مشاوره چگونه با شرایط برخورد شده و چه اقداماتی صورت گیرند نیز در دست شخص مددجو می باشد.

مشاوران متعهد به حفظ اسرار می باشند. به این معنی، که آنها اجازه ندارند که مطالب بازگو شده را به دیگران انتقال دهند. تنها استثناء موجود در مورد حفظ اسرار زمانی رخ می دهد، که مشاور به این نتیجه برسد، که سلامت یک کودک در خطر بوده و یا خطری حاد جان مددجو یا شخص دیگری را تهدید می کند. اگر در این مورد مطمئن نیستید، قبل از آغاز جلسه مشاوره درباره مواردی که در آنها قانون حفظ اسرار اعتبار خود را از دست می دهد، پرسش کنید.

در آلمان، بسته به محل سکونت یا منطقه، خدمات مشاوره متفاوتی برای قربانیان و عاملین خشونت وجود دارند، به عنوان مثال مراجعه به دفاتر مشاوره یا همچنین مشاوره تلفنی (به بخش نشانی ها مراجعه کنید). کسانی که خشونت آنها را تهدید می کند، تحت فشار قرار گرفته اند و یا خود، مثلاً برای بازگرداندن شرف و آبروی خانواده، دست به خشونت می زنند، نیز می توانند از این خدمات مشاوره استفاده کنند. همچنین دوستان و یا بستگان می توانند برای مشاوره مراجعه کنند، تا نحوه کمک به افرادی که مورد خشونت واقع شده و یا اعمال خشونت می کنند را بیاموزند.

برخی از خدمات مشاوره ارائه کننده کمک های اختصاصی برای زنان یا مردان می باشند. در این میان، از آنجا که در آلمان زنان بیشتر قربانی خشونت می شوند، خدمات عرضه شده به زنان بیشتر می باشند.

در صورت بروز مناقشات در روابط بین زوج ها یا در خانواده نیز خدمات مشاوره ای وجود دارند، که هر دو زوج و یا همه خانواده می توانند به صورت دست جمعی در آنها شرکت کنند (به بخش نشانی ها مراجعه کنید).

در صورتی که در اقامتگاه های جمعی سکونت دارید، خدمات اجتماعی می تواند در جستجوی یک مترجم مناسب و یا گرفتن نوبت مشاوره به شما کمک کند.

روان درمانی

در صورت ابتلا به بیماریهای روانی یا بروز صدمات روحی و یا در صورت مشاهده علائمی مانند فشار عصبی، بی خوابی، پرخاشگری، ناامیدی یا دردهایی که منشا جسمانی ندارند می توان از روان درمانی بهره برد.

روش درمانی در روان درمانی گفتگو با روانشناس یا روان درمانگر می باشد. همچنین در برخی از موارد از تمرینات و یا تکالیف منزل استفاده می شود. ممکن است یک روان درمانی به مدت دو سال ادامه پیدا کند.

در طول گفتگوی روان درمانی، من جمله از مددجو سوالاتی پرسیده می شوند. دلیل این امر بازجویی از مددجو نبوده و صرفا برای درک بهتر شرایط و دستیابی به تشخیص صحیح می باشد. تنها از این راه است که می شود روش درمانی مناسب و مراحل آترا را برای بیمار تنظیم کرد. زمانی که شخص درباره ابتلا به بیماری مطمئن نیست، می تواند از گفتگوی روان درمانی برای روشن ساختن مسئله استفاده کند.

روان درمانگران و روان شناسان و همچنین مترجمین موظف به حفظ اسرار بیماران می باشند.

در برخی از اقامتگاه های مهاجران گفتگوی روان درمانی در همان محل عرضه می شود. بر حسب منطقه امکان دسترسی به روان درمانی های اختصاصی برای پناهندگان (به بخش نشانی ها مراجعه کنید) نیز وجود دارد. البته در این موارد ممکن است لازم باشد که افراد چندین هفته یا ماه انتظار بکشند تا جایی برای روان درمانی آنها

آزاد شود. در مورد مسائلی چون جستجوی روان درمانی یا چگونگی پرداخت هزینه های مربوطه می توان از خدمات اجتماعی مستقر در اقامتگاه جمعی یا مراکز مشاوره کمک گرفت.

راهنمایی در مورد نحوه تقاضای پناهندگان برای دریافت روان درمانی را می توانید در صفحه اینترنتی زیر ملاحظه کنید:

www.baff-zentren.org/wp-content/uploads/2017/03/BAfF_Arbeitshilfe_Therapiebeantragung.pdf

کلاس های آموزشی تربیت بدون خشونت

در بسیاری از مناطق کلاس هایی در مورد تربیت بدون خشونت فرزندان عرضه می شوند. در این کلاس های آموزشی مطالبی در مورد رشد و نیازهای کودکان، نحوه ارائه واکنش مناسب در موقعیت های بحرانی و راه های برخورد در هنگام مناقشات آموزش داده می شوند. همزمان والدین می توانند از امکان تبادل نظر با والدین دیگر بهره ببرند.

این کلاس ها بعضا به صورت اختصاصی به والدینی که خود مهاجرت را تجربه کرده اند، عرضه می شوند.

<p>روابط بین انسانی یک فرد در درون جامعه یا در مورد محیط اطراف او</p>	<p>اجتماعی</p>
<p>نوعی بیماری روانی که بر شخصیت فرد اثر می گذارد. بیماران نوسانات بسیار شدید و سریعی را در احوالات خود تجربه می کنند و معمولا رفتار شتابزده و تکانشی از خود نشان می دهند. این گونه افراد مشکلات زیادی در برقراری روابط پایدار اجتماعی داشته و در برخی از اوقات احساس پوچی درونی می کنند.</p>	<p>اختلالات شخصیتی مرزی (= اختلال شخصیتی ناپایدار-احساسی)</p>
<p>نوعی بیماری روانی می باشد که از نشانه های آن حساسیت بیش از حد فرد نسبت به بی محلی و عدم پذیرفته شدن توسط دیگران می باشد. البته این حساسیت می تواند به واسطه یک درگیری درونی، که در نتیجه آن رسیدن به خواسته قوی شخص برای برقراری روابط نزدیک با انسان های دیگر به دلیل ترس از عدم پذیرفته شدن امکان پذیر نمی باشد، نیز بروز کند.</p>	<p>اختلالات شخصیتی هراسان-دوری گزین</p>
<p>اختلالات موجود در عملکرد</p>	<p>اختلال عمل</p>
<p>بخشی از دولت محلی، که از وظایف اصلی آن می توان به مشاوره و پشتیبانی حقوقی از والدین و سرپرستان قانونی، ارائه پشتیبانی در حوزه تربیت کودکان و حصول اطمینان از حفاظت از کودکان و نوجوانان در چهارچوب مرزها و شرایط قانونی موجود، اشاره کرد</p>	<p>اداره جوانان</p>
<p>نوعی بیماری روانی که نشانه های آن غم و اندوه بلند مدت، بی میلی و بی رقتی، احساس گناه و کمبود احساس ارزشمند بودن در فرد، اختلال در خواب، خستگی و بی اشتهایی می باشند. رفتن سر کار، یادگیری و انجام امور روزمره برای بیماران دشوار می باشد.</p>	<p>افسردگی</p>
<p>انتظارات حاکم بر یک گروه یا جامعه، در مورد اینکه رفتار یک انسان در شرایط مشخص باید به چه شکل باشد</p>	<p>آیین</p>
<p>تعهد به راز داری</p>	<p>تعهد به حفظ اسرار</p>
<p>مجموعه انسان هایی که تحت شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مشخص با هم زندگی می کنند.</p>	<p>جامعه</p>

جسمانی	مربوط به بدن
چوچول (فنج)	قسمتی از آلت تناسلی زنانه، عضوی که نقش مهمی در احساس لذت جنسی دارد
روانشناس	پزشک متخصص (پزشک دوره دیده) در زمینه تشخیص، مداوا و پژوهش اختلالات و نارسایبی های روحی. ارائه کننده روان درمانی و دارای مجوز تجویز نسخه
روان درمانگر	یک پزشک، روانشناس یا مددکار که دارای مدرک تخصصی برای ارائه روان درمانی باشد
روان درمانی	مداوای بیماری های روانی بر اساس شناخت ها و روش های موجود در علم روانشناسی که معمولاً به صورت گفتگو انجام می شود
روح و روان	دربگیرنده زندگی عاطفی، تفکرات و عملکرد یک فرد
شبه نظامیان	نیرو های نظامی، که تنها از آموزش های کوتاه مدت بهره برده اند و یا در صورت نیاز تشکیل داده می شوند
شکایتنامه / شکایتنامه جزایی	گزارش یک جرم احتمالی که با هدف مجازات مجرم و یا جبران خسارت وارده تحویل پلیس یا دادستانی می شود. امکان تنظیم شکایت نامه برای هر فردی که مورد جرم واقع شده است، وجود دارد. شکایت کردن امری رایگان می باشد. ادارات مربوطه موظفند تا در حین تنظیم یک شکایت نامه، با تحقیق و تفحص در مورد جرم و شرایط وقوع آن به بهترین شکل ممکن شفاف سازی کنند.
ضریه یا ترومای روحی	یک جراحت عمیق روحی، به واسطه اتفاقی که تجربه آن برای قربانی بیش از حد ناگوار و هزم آن برای او غیر ممکن می باشد و در نتیجه در بلند مدت به بیماری روحی می انجامد
قانون اساسی	قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان دربرگیرنده تصمیمات بنیادین دولتی در مورد نظام کشوری و ارزشی می باشد، که سرآمد دیگر معیارها و هنجارهای حقوقی در آلمان است. برای دسترسی به قانون اساسی در اینترنت به سایت زیر مراجعه کنید: www.bundestag.de/grundgesetz (به آلمانی) ترجمه قانون اساسی به زبان های اسپانیایی، انگلیسی، ایتالیایی، ترکی، چینی، صربستانی، فارسی، فرانسوی، روسی، عربی و لهستانی را می توانید به عنوان مثال از سایت اینترنتی زیر دریافت کنید: www.bamf.de/SharedDocs/Anlagen/DE/ Publikationen/Broschueren/das-grundgesetz.html

کتاب قانون اجتماعی (SGB)

شامل حقوق اجتماعی موجود در آلمان و تنظیم کننده کمک ها و خدمات پشتیبانی دولتی، برای ممکن ساختن زندگی در شان یک انسان، در زمانی که مهیا کردن این نوع زندگی توسط خود شخص ممکن نباشد. مثلا در حوزه های کمک به کودکان و نوجوانان، پشتیبانی برای کارایی و یا کمک مالی اجتماعی

کتاب قانون شهروندی (BGB)

شامل قوانین حوزه حقوق شخصی، یعنی نسبت های حقوقی موجود در بین افراد حقیقی (شخصی) در آلمان می باشد. از جمله مطالب موجود در این کتاب می توان به حقوق خانواده که دربرگیرنده موارد حقوقی مربوط به ازدواج، طلاق و حضانت (نگهداری) فرزندان می باشد، اشاره نمود. می کنند دستیابی به کتاب قانون شهروندی در اینترنت از آدرس های زیر استفاده کنید:

www.gesetze-im-internet.de/bgb (به آلمانی)

www.gesetze-im-internet/englisch_bgb/index.html

(به انگلیسی)

کتاب قانون مجازات (StGB)

شامل مواردی که در آلمان به عنوان جرم محسوب می شوند و پیامدهای حقوقی این جرائم می باشد دسترسی به کتاب قانون مجازات در اینترنت از طریق:

www.gesetze-im-internet.de/stgb/index.html (به آلمانی) و

www.gesetze-im-internet.de/englisch_stgb/index.html

(به انگلیسی)

محرومیت

کمبود چیزها یا انگیزه هایی، که برای ارضاء نیازهای مهم انسانی لازم می باشند.

مراکز مشاوره

مراکزی که در باره مسائل و مشکلات گوناگون کمک و پشتیبانی عرضه می کنند. امکان مشاوره به صورت حضوری و همچنین در برخی از موارد به وسیله تلفن، ایمیل و یا چت وجود دارد.

یادداشت‌ها

نشانی های برگزیده

مرکز مراجعه و مشاوره برای متخلفینی که اعمال خشونت می کنند. تماس تلفنی برای گفتگوی شخصی با روانشناس. دستیابی به رفتار عاری از خشونت و همچنین فعالیت های پیشگیرانه گروهی.

Beratung für Männer gegen Gewalt

مشاوره برای مردان ضد خشونت
Tieckstraße 41 · 10115 Berlin
تلفن: 030 785 982 5
www.volkssolidaritaet.de/berliner-volkssolidaritaet/beratung-hilfe/beratung-fuer-maenner-gegen-gewalt/

مرکز یادگیری استراتژی های رفتاری جایگزین در مقابل اعمال خشونت. ارائه خدمات برای گروه های آموزشی، تمرینات، بازتاب گروهی و همچنین رسیدگی به موقعیت های خاص مناقشه و دعوا

Berliner Zentrum für Gewaltprävention

مرکز پیشگیری از خشونت برلین
(BZfG e.V.)
Hohenzollernring 106 · 13585 Berlin

یک مرکز خدماتی آزاد برای امور جوانان و مردان می باشد. ارائه کننده خدمات مشاوره ای و تمرینی در حوزه خشونت خانگی و عرضه کننده فعالیت ها و تمرینات مقابله با خشونت برای متخلفین.

Männernetzwerk Dresden e. V.

شبکه مردان درسدن
Schwepnitzer Straße 10
101097 Dresden
تلفن: 0351 810 434 3
صفحة الشابكة: www.escape-dresden.de

مرکز حفاظت از قربانیان، که متهمان و بانیان خشونت فیزیکی و جنسی را مخاطب قرار می دهد. امکان دریافت مشاوره از طریق اینترنت نیز وجود دارد.

Fachstelle für Gewaltprävention

مرکز تخصصی پیشگیری از خشونت
Herdentorsteinweg 37 · 28195 Bremen
تلفن: 0421 794 256 7
www.fgp-bremen.de

مرکز مشاوره برای افرادی که به خواسته خود یا از طرف دستگاه قضایی و یا مراکز دیگر ارجاع داده شده اند.

Hamburger Gewaltschutz-Zentrum

مرکز محافظت از خشونت هامبورگ
Altonaer Straße 65 · 20357 Hamburg
تلفن: 040 280 039 50
www.hamburgergewaltschutzzentrum.de

مرکز تخصصی برای مداخله و پیشگیری از خشونت. مشاوره و درمان برای مردانی که از طرف دادگاه ارجاع داده شده اند و همچنین مردان دیگر. ارائه تمرینات ضد خشونت و مداخله در دعوای در صورت وقوع خشونت.

Jedermann e. V.
هر مرد
Lutherstraße 15 – 17 · 68169 Mannheim
تلفن: 0621 410 73 72
www.jeder-mann.de

باشگاهی عام المنفعه که به وضعیت زندگی پسران و مردان جوان و نیز مردان بزرگسال و محیط اجتماعی آنان رسیدگی کرده و آنان را در در برطرف کردن مسائل شان یاری می کند. ارائه مشاوره برای قربانیان و متخلفین.

Männerbüro Hannover e. V.
دفتر مردان هانوفر
Ilse-Ter-Meer-Weg 7 · 30449 Hannover
تلفن: 0511 123 589 10
www.maennerbüro-hannover.de

یک مرکز مشاوره و ابتکار خودیاری برای مردان. ارائه کننده خدمات برای گروه های خودیاری و خودیابی مردان با هدف پرورش اعتماد به نفس مثبت مردانه.

Münchner Informationszentrum für Männer
مرکز اطلاعات مردان در مونیخ (MIM)
Feldmochinger Straße 6 · 80992 München
تلفن: 089 543 955 6
www.maennerzentrum.de

مرکز آزاد و عام المنفعه در حوضه خدمات اجتماعی و ارائه کننده خدمات کمکی به جوانان و پشتیبانی در موارد بروز دعوا .

Projekt STOP-Training
پروژه تمرین پایان دادن
Neue Kasseler Straße 3 · 35037 Marburg
تلفن: 06421 307 807 4
www.juko-marburg.de

مرکز مراجعه برای دریافت اطلاعات، مشاوره و اقدامات تمرینی در زمینه خشونت خانگی، خشونت خیابانی و خشونت جوانان.

Sozialberatung Stuttgart e. V.
– Fachstelle Gewaltprävention
مشاوره اجتماعی اشتوتگارت – مرکز پیشگیری از خشونت
Charlottenstraße 42 · 70182 Stuttgart
تلفن: 0711 945 585 310

مرکز ارائه کننده اقدامات سریایی پشتیبانی برای نوجوانان و جوانانی که مرتکب جرم شده اند.

Verein Kinder- und Jugendhilfe e. V. TAET HG
باشگاه کمک به کودکان و نوجوانان (TAET HG)
Mainzer Landstraße 625
65933 Frankfurt
تلفن: 069 384 729
www.vkjhf Frankfurt.de

محافظت و امنیت در برابر خشونت

راهنمایی برای پناهندگان و مهاجران تازه وارد مذکر

این راهنما دربرگیرنده اطلاعاتی درباره موضوع محافظت در برابر خشونت در آلمان بوده و پناهندگان و مهاجران تازه وارد مذکر در آلمان را مخاطب قرار می دهد. به این وسیله می خواهیم شما را با این موضوع گسترده آشنا سازیم. در این راستا اطلاعاتی در مورد حقوق شما، خدمات پشتیبانی و نیز قوانین مربوط به این حوزه را در اختیارتان قرار می دهیم.

- دلایل، گونه ها و پیامدهای خشونت
- تحول در دیدگاه نسبت به خشونت
- نشانی مراکز پشتیبانی برای قربانیان و بستگان آنها
- چه کسی در برابر خشونت محافظت می کند – و چگونه؟
- راه های خروج از خشونت

این راهنما در چهارچوب پروژه کشوری "پیشگیری از خشونت – می می، با مهاجران برای مهاجران" این راهنما را می توانید از طریق آدرس های اینترنتی زیر سفارش دهید:

www.mimi-bestellportal.de و www.mimi-gegen-gewalt.de



تحویل راهنما از طرف: